

بواسطه نداشتن سابقه بنظر مایک قدری بعید می آید.

اینجا بعد از اینکه نوشته شده از قبیل مزد عملجات و سوخت و مخارج اداری و مخارج استقراض و قیمت مواد اولیه.

الی آخر (و همچنین کلیه مخارج که در واقع نمی توان آنرا جزء سرمایه مصروفه بحساب آمده باستانی مواد ذیل) گفتند دوا اعتراض دارد.

یکی اینکه (نمی توان آنرا جز سرمایه مصروفه بحساب آورد) یعنی چه؟ سرمایه چند قسم است یک سرمایه است که برای یک کار مخصوص تهیه میشود.

یک قسم سرمایه هم هست که در شرکت هاست و سرمایه میشود یک قسم باید برای مقدمات کار خرج شود.

یک سرمایه هائی ممکن است که باشد و سرمایه های مصروفه نباشد سرمایه احتیاطی باشد. تمام این سرمایه ها البته اگر مخارج مربوط به سرمایه های مصروفه نباشد مربوط با اینجا میشود و باید موضوع شود ولی اگر مربوط سرمایه مصروفه است نباید موضوع شود.

این را توضیح دائم از برای اینکه بعد دچار اشکالات نشویم و نگویند چرا اینجا بحساب آورده نشده است و چیز های نظیرش را که فلان و فلان است بخرج آورید.

اینها یک چیز هائی است که لازم است.

اعتراض دیگر این بود که گفتند سهم دولت و فلان و فلان را چرا استثنا کرده اید اینها تمام یک چیز هائی است که اگر ذکر نشود هر مومنی مطابق اصول جاری یک کمیانی بخواهد از عایدات غیر خالص یک یک قلم هائی منها کند.

ممکن است اینها را هم جزء منها شده های از عایدات غیر خالص حساب کند باین ملاحظه خواسته اند توضیح بکنند که اینها نباید موضوع بشود و مثلا مالیاتهای بلی که در آمریکا بر این کار تعلق میگردد آیا ضرر این را هم دولت ایران باید متحمل شود یا خود کمیانی باید تحمل کند؟

از آن طرف آیا کمیانی میتواند این مالیات را نهد؟ خیر حتما باید بدهد.

آیا اگر کمیانی یک صاحبان سهام آمریکائی داشته میتواند با بگویند تو چرا این مالیات را که منبمی اول از عایدات غیر خالص منها میکنی بمندهاید خالص را همین میکنی و سهم ما را از آن عایدات خالص میدهی؟

خیر آنها نمیتوانند بگویند ولی دولت ایران که بیست درصد میگردد میتواند این اعتراض را بکند و بگوید عایدات خالص را همین بکنند و صدیست از آنرا

بمن بدهید بدون اینکه این مالیاتها را موضوع کنید.

وقتیکه حساب میکنند و میگویند فلان مقدار عایدات غیر خالص است دولت می گوید شما ها صد بیست می خواهید بمن بدهید اگر فلان چیز را منها بکنید بمن ضرر میغورد.

طبیعی است اینها را باید گفت اگر نگوییم بضرر دولت تمام میشود بسهم دولت که میفرمائید همین طور است چرا؟ از برای اینکه سهم دولت صد بیست از عایدات خالص است پس برای این که صد بیست برسیم باید بیستیم عایدات غیر خالص چیست و آنچه از مخارج باید موضوع کنیم حساب بکنیم و برسیم به عایدات خالص و صد بیست خودمان را همین بکنیم.

پس اگر میامدند معادل صد بیست دولت را از عایدات دولت غیر خالص منها میکردند و بعد میرسدند به عایدات خالص و از آن عایدات میخواستند صد بیست بما بدهند این ضرر ما میشود زیرا شما که باید صد بگیرد این صد بیست باید از عایدات خالص گرفته شود.

بنا بر این صد بیست هم مثل مالیات میماند که کمیانی باید بدولت امریکا بدهد.

این آخری یک اعتراضی کردند که بنده ناچارم باز عرض بکنم برای احتراز از تکرار کلیه رفاقت و قتیکه سایر همکارها هایشان اعتراض میفرمایند خوبست متوجه باشند تا چیزی را که دیگری گفته دقمه ثانی نگویند و وقت مجلس تلف نشود.

این اعتراضی بود که آقای مشار اعظم فرمودند راجع باینکه جمله (از عایدات غیر خالص) الی آخر.

باید سرسطر باید بنده هم بایشان عرض کردم که باین سرسطر بیاید.

اینجا همین کرده اند که از عایدات غیر خالص مخارجی باید موضوع شود نظاری هم برای مخارج ذکر شد یک مستثنائی هم برای آن قائل شده که مستثنیات چه چیز هائی است.

بعد دوباره سرسطر جمله دیگر است که میگوید:

از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود فلان و فلان.

پس این جزء مستثنیات نیست یعنی اینها هم باید موضوع شود.

اینجا چیست؟ هر گونه ربح و منافع سهام که بکمیانی و کمیانیهای مزبور شرکت های فرعی آنها تقسیم میشود که اینجا نوشته شده است.

اینجا اعتراض دیگری راجع به استهلاك کردند که بکنده دیگر یکی از نمایندگان فرمودند و جواب داده شد باینکه اولیه بنده ملاحظه فرمائید این مواد هر کدام

راجع یکی از موضوعهای مخصوصه است اگر در یک ماده دیگری خواه ماده بازده باشد یا نه با هشت در کوفی که اعتراضی نسبت به منافع اضافی دارند شاید از اظهارات و هریض بنده قانع شده تجدید مذاکره نکنند.

در این امتیاز برای دولت ایران صد بیست از منافع را قائل شده اند این صد بیست یعنی چه؟

یعنی کمیانی نسبت به سرمایه خودش خواص زیاد نم بردخواه کم برد این صد بیست را باید بدولت بدهد.

بعد آمدیم و گفتیم ما باید از منفعت اضافی هم سهمی ببریم.

حالا آقای کازرونی یا آقای اشکر با داشت میکنند و بنده اعتراض میکنند اینجامستازم این است که ما تشخیص بدهیم اولاً معنی منفعت اضافی چیست؟

بنده حاضر ام آنرا توضیح بدهم لیکن اگر قیلا آقای کازرونی این منفعت اضافی را از نقطه نظر طرز اروپائیش توضیح دادند و مطابق منظور آن کسی که اشرا نوشته صحیح بود آنوقت میتوان گفت که تمام اعتراضات ایشان وارد است.

آنروز عرض کردم مبهم یعنی چه؟ البته همه تصدیق میکنند بنده هم انکار ندارم که هر گونه خسارت معلوم نیست که چه خسارنی است ولی باید بیستیم آیا ممکن است ایشان در هر چه معامله که میکنند تمام جزئیات را قلم معین کنند؟ خیر نمی شود فقط بعضی مسائل هم را میشود گفت.

یکجا یک مخارج را میشود تعداد کرد برای اینکه نظائر بدست بیاید ولی بعد نباید فراموش کرد که بین این دو شریک که دولت و کمیانی باشد اصولی مقرر است که بموجب آن بکار های هم رسدگی میکنند.

این هر گونه خسارت همانطور که برای من و شما مبهم است برای کمیانی هم مبهم است.

کمیانی نمیتواند در تحت عنوان هر گونه خسارت هر چه دلش خواست صورت بدهد همانطور که ما نمیتوانیم در تحت عنوان هر گونه خسارت هر چه را میخواهیم برد کنیم بآرد کنیم.

کمیانی در تحت عنوان هر گونه خسارت امراتی را صورت مینهد بعد ما باید بوسائل تقشش و کنترلی که داریم باید داشته باشیم رسیدگی و تحقیق کنیم اگر ما و شما از وسایل کار خودمان بترسیم این مربوط بکسی نیست این را میشود بگردن معامله کننده و نویسنده مواد انداخت.

اینرا باید از جای دیگر درست کرد.

در تحت منفعت اضافی باز

اظهاراتی شد آنها هم از همین قبیل بود.

بنده اگر توضیحی عرض میکنم برای این است که آقایان دیگر که در نظری و اعتراضی نسبت به منافع اضافی دارند شاید از اظهارات و هریض بنده قانع شده تجدید مذاکره نکنند.

در این امتیاز برای دولت ایران صد بیست از منافع را قائل شده اند این صد بیست یعنی چه؟

یعنی کمیانی نسبت به سرمایه خودش خواص زیاد نم بردخواه کم برد این صد بیست را باید بدولت بدهد.

بعد آمدیم و گفتیم ما باید از منفعت اضافی هم سهمی ببریم.

حالا آقای کازرونی یا آقای اشکر با داشت میکنند و بنده اعتراض میکنند اینجامستازم این است که ما تشخیص بدهیم اولاً معنی منفعت اضافی چیست؟

بنده حاضر ام آنرا توضیح بدهم لیکن اگر قیلا آقای کازرونی این منفعت اضافی را از نقطه نظر طرز اروپائیش توضیح دادند و مطابق منظور آن کسی که اشرا نوشته صحیح بود آنوقت میتوان گفت که تمام اعتراضات ایشان وارد است.

آنروز عرض کردم مبهم یعنی چه؟ البته همه تصدیق میکنند بنده هم انکار ندارم که هر گونه خسارت معلوم نیست که چه خسارنی است ولی باید بیستیم آیا ممکن است ایشان در هر چه معامله که میکنند تمام جزئیات را قلم معین کنند؟ خیر نمی شود فقط بعضی مسائل هم را میشود گفت.

یکجا یک مخارج را میشود تعداد کرد برای اینکه نظائر بدست بیاید ولی بعد نباید فراموش کرد که بین این دو شریک که دولت و کمیانی باشد اصولی مقرر است که بموجب آن بکار های هم رسدگی میکنند.

این هر گونه خسارت همانطور که برای من و شما مبهم است برای کمیانی هم مبهم است.

کمیانی نمیتواند در تحت عنوان هر گونه خسارت هر چه دلش خواست صورت بدهد همانطور که ما نمیتوانیم در تحت عنوان هر گونه خسارت هر چه را میخواهیم برد کنیم بآرد کنیم.

کمیانی در تحت عنوان هر گونه خسارت امراتی را صورت مینهد بعد ما باید بوسائل تقشش و کنترلی که داریم باید داشته باشیم رسیدگی و تحقیق کنیم اگر ما و شما از وسایل کار خودمان بترسیم این مربوط بکسی نیست این را میشود بگردن معامله کننده و نویسنده مواد انداخت.

اینرا باید از جای دیگر درست کرد.

در تحت منفعت اضافی باز

است و تجربیاتی که شده است منافی اضافی این قبیل منابع که خیلی نادر است چه قدر است؟

الان آقای وزیر مالیه بمن یادداشتی نوشته بودند که معدن نفت جنوب که یکی از بهترین معادن دنیا از حیث عمل محسوبست در بهترین موقع عمل تقریباً از جهل و شش در صد تجاوز نکرده خوب این از بهترین معادن دنیا است که خیلی نادر است.

اینرا برای این توضیح کردم که آقایان بدانند در حقیقت ذکر این تصاعد برای احتمال است.

اما آن حسابی هم که آقای اشکر کردند گویا در موضوع اینکه چرا تا فلان مانده کم برود ده دو است و از فلان ماخذ که بالا می رود تا سبب فرق میکند.

این را البته تصدیق میکنید قضا با مربوط بنذا کره بین دو طرف معامله است که یکی دولت و یکی کمیانی است.

دولت تکیه قانونی که از مجلس گذشته رفته مذاکره کرده ما هم در کمیسیون دقت کردیم نتیجه این مذاکرات لایحه است که قبول کردیم و فعلاً آمده است بمجلس و از همه حیث در حد اعتدال است و نمیشود گفت چون از اینجا بیائین دودو بوده است از این بالا هم نباید ده دو بالا برود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

مخبر - حضور ملازمه ندارد؟ شبلی هم ملازمه اش زیاد است.

حالا بنده عرض میکنم کمیانی میگوید منفعت صد دوازده و نیم را مطابق معمول در اروپا نسبت به عایدات یک سرمایه منفعت اضافی نمیدانند و منفعت از صد دوازده و نیم که بالاتر برود این را منفعت اضافی حساب میکنند.

این اصلی است کلی - آنوقت صد بیستی که شما از من میگیرید اگر چه من صد یک منفعت ببرم - صد دو منفعت ببرم یعنی از صد دوازده و نیم که نفع معمولی هر سرمایه است هر قدر کمتر ببرم این صد بیست را باید بدولت بدهم.

من نمی توانم بشما بگویم که امسال صد دوازده و نیم عمل نکردم و صد یک عمل کردم بنابراین از صد بیست شما میگویم خیر صد بیست حتمی است.

بعد میآید میگوید اگر منفعت اضافی (یعنی علاوه از صد دوازده و نیم) تصدیی بنده و شصت هم بشود باز همان صد بیست را میبدهم.

(معامله ایست که طرفین با هم قرار گذاشته اند) آنوقت اگر منفعت اضافی از حدود صدی شصت تجاوز کرد مطابق این تناسبی که اینجا معین است من بشما سهم میدهم.

حالا لازم نیست من اینرا زیاد توضیح بدهم که حقیقه مطابق نظارتی که دود بیست

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس معلوم میشود کافی است

آقای اشکر توضیحی دارید بفرمائید

اشکر - برای اینکه آقایان در پیدا کردن موارد اعتراض دچار اشکال نشوند استدعا میکنم پیشنهاد های بنده را یا از آخر یا از اول بترتیب قرائت کنند که آقایان در پیدا کردن جمل راحت باشند.

رئیس جناب عالی که نمره نگذاشته اید که بترتیب نمره قرائت شود.

اشکر بنده بترتیب دوم گذاشته بودم.

رئیس - نسبت باین یکی که خوانده شد توضیح بدهید.

اشکر تقاضا میکنم مجدداً بفرمائید قرائت شود.

(بعضی سابق قرائت شد)

اشکر سرمایه عبارتست از پولی که کمیانی وارد میکند و بکار میاندازد و البته پس از بکار انداختن یک سرمایه منافع حاصل می شود.

اشکر کردن آن منافع را بر سرمایه اولی معارض ندارد برای کار کردن بعد ولی جزء سرمایه مصروفه نباید حساب بشود بجهت اینکه از آن منافع حاصله ما یک حقی داریم و اگر بنا شود آن حق ما یعنی آن صد بیست ما بر صدی هشتاد کمیانی افزود و دو تا پنج سرمایه را کمیانی بخواهد حساب بکند منافعش را هم حساب بکند این یک خسارت غیر قابل جبرانی با وارد میکند و یک نفع فوق العاده بکمیانی عاید میسازد.

سرمایه اصلی و اساسی وجهی خواهد بود که کمیانی باین ملک و وارد میکند و ربح آنرا حساب میکند و بر آن حساب اضافه مینماید ولی دیگر ربح منافع حاصله از آن که یک قسمتش متعلق بما است تمام را نباید کمیانی با ما حساب کند.

اگر ربح در نفع هم باشد یک صد بیستش متعلق بما است دوباره ربح آن صد بیست که متعلق بما است و جزء سرمایه می آید نباید بکمیانی داده شود این است که بنده عرض میکنم این جا این عبارت حذف شود.

یعنی سرمایه مصروفه عبارتست از سرمایه که کمیانی از خارج وارد این ملک می کند و منافی که حاصل می شود و بر آن اضافه میشود جزء آن سرمایه محسوب نیست.

مدرس - پیشنهاد بنده هم در همین زمینه است اجازه میفرمائید توضیح بدهم که اگر رد شدنی است بکنده جواب بدهند.

مخبر - پیشنهاد دیگری هم در این زمینه است؟

مدرس - بلی مال من است.

مخبر - اگر یکی دیگری هم در این

زمینه هست ممکن است آنهم توضیح داده شود یا یک جواب بدهم.

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که در تبصره دوم بعد از منافع حاصله عبارت ذیل اضافه شود:

(که بعد از اداء سهم دولت ایران بر سرمایه الی آخر)

رئیس - خطاب با آقای مدرس (توضیح بفرمائید)

مدرس - البته معلوم است کمیانی که میآید اینجا یک امتیازی میگردد یک سرمایه یا از خودش یا از قرض میاورد که مفاد این را اجرا کند البته استهلاك هم میکند و بار بخش سال بسال بر میدارد.

این جا یک عبارتی دارد که معنی آن این است که میشود از منافع بردارد و موسساتی تشکیل بدهد.

آ سرمایه اولی که کم کم با استهلاك برمی دارد لیکن از منافعیکه از این امتیاز پیدا میشود میخواهد یک سرمایه درست کند.

کمیانی فقط جنوب حالیه همین قسم است شاید این مؤسساتش اکثر از منافع سرمایه است آن منافعیکه صد بیستش مال ما است و صد هشتاد آن متعلق بخودشان.

اینرا نباید سرمایه قرار بدهد بنا بر این بنده پیشنهاد کردم (نظیر همین پیشنهاد که آقای اشکر اظهار کردند که اگر از منافع بخواهد سرمایه بکند و از آن سرمایه موسسات تشکیل بدهد سهم صد بیست دولت ایران را بعد و موسسات را از صد هشتاد خودش درست کند زیرا ما پول زیادی نداریم که سرمایه قرار بدهیم و کم کم با منافعش برداریم.

کمیانی نفت جنوب همین قسم است الان شاید بیست میلیون سرمایه اش از منافی است که صد شانزده آن مال ما است ما چون آنرا دیده ایم و می بینیم که خودمان احتیاج بیول داریم و پول زیادی نداریم نمی توانیم بدهیم بکمیانی که سرمایه قرار دهد لذا پیشنهاد کردم که اگر خود کمیانی سرمایه بیاورد یا فرض بخواهد بکند که البته بار بخش بر میدارد اما اگر بخواهد از منافع سرمایه درست کند بسا هست ما محتاج پولیم و نمیتوانیم حاضر بشویم که پولمان را کمیانی بردارد و سرمایه درست کند و بعد کم کم بار بخش برداریم حق ما را که صد بیست است بدهد و از صد هشتاد خودش سرمایه درست کند و با منافعش بردارد این عبارتیکه پیشنهاد کردم مفادش این است و بجهت اینکه این مسئله پیش بینی نشده است در نقط جنوب اکثر سرمایه اش از منافع آنجا است که

صد شانزدهش مال ما است و جزء سرمایه شده است و در کمیسیون هم این اواخر بر خوردیم باین مسئله لیکن چون هه روزه هی در مجلس میگفتند چرا راپورت را دیر میآورد بنده در آن مفصلاً مذاکره شود و در این قانون یکی از مطالب اصلی که من مخالف آنم این مطلب است که لازم است این است که پول ما را کمیانی سرمایه قرار بدهد و از بهاء فروش استخراج منافع بکند و مایول نداریم که بگذاریم سرمایه باشد.

مخبر - این اعتراض و پیشنهاد بهر دو صورتیکه ذکر شد چندان وارد نیست تنها میکنم قدری دقت بفرمائید آقای مدرس مطلقاً روشنتر فرمودند.

فرمودند سرمایه که صرف میشود و اسمش سرمایه مصروفه گذاشته میشود باید از یک مری بیاید اینجا هم نوشته شده است (در آخر هر سال معین خواهد شد) فقرش کجاست؟

یا از فروش سهام است یا قرض خارجی است یا از منافع حاصله است که بر سرمایه افزوده شده پس ما در موقعی که در قانون مذاکره از سرمایه مصروفه میکنیم و سرمایه مصروفه را میخواهیم تعریف و تصریح بکنیم این مسائل را ذکر کنیم.

حالا بیستم این اعتراضیکه آقای مدرس بفرمایند وارد است یا نه؟

یعنی این منافع حاصله که اینجا گفته شده است مربوط به صد و بیست ما میشود یا نباشد و اگر فرضاً مربوط میشود با اختیار و توافق نظر ما خواهد بود یا نه؟

اینجا اول مطلب اینست که بنظر بنده اگر قدری در مطلب ماده دقت بفرمائید خواهید دید که سرمایه مصروفه هیچ مربوط به صد بیست ما نیست چرا؟

بر گردیم تبصره یک در تعریف عایدات خالص ضمیمه فراموش نکنیم که صد بیست ما از عایدات خالص است نه از چیز دیگر اینجا نگاه میکنیم می بینیم عایدات خالص عبارتست از عایدات غیر خالص منهای بعضی مصارف.

بعد مستثنیاتی هم برای آن مصارف قائل شد آنهاچه بود؟

سه چیز بود:

اولاً سهم دولت ایران که سهم دولت ایران بماند بقیه خالص ارتباطی ندارد.

ثانیاً منافعیکه ما بین صاحبان سهام توزیع میشود که در بین الهالاین (دیودادند) اصطلاح و معنی تجارتیش را نوشته پس ما می بینیم آن منافع را که میگذارند برای تقسیم بین صاحبان سهام قبل از اینکه سهم ما را از عایدات خالص بدهند از عایدات غیر خالص منها نمیکند.

اینکه در تبصره دو راجع بر سرمایه مصروفه نوشته است (از منافع حاصله) بجهت این منافع است یعنی منافعیکه بعد از پرداخت سهم دولت ایران میماند.

سهام دولت ایران با اصلاح خودشان سوپر بریده دارد یعنی حق تلف دارد یعنی بعد از اینکه سهم دولت ایران را که فلاقت است برداشتن يك چیز های دیگری هم هست مربوط بخود کمیانی که از این عایدات خالص موضوع می شود آنوقت بدویران یعنی توزیع بین صاحبان سهام میرسد در این موقع است که کمیانی ها صاحبان سهام ممکن است بگویند و تکلیف کنند که از نقطه نظر دفع بعضی حوائج امسال ماصدك باشد دو از این منافع حاصله را که باید بین شما تقسیم کنیم کنار میگذاریم و بر سرمایه علاوه می کنیم.

این هیچ ارتباطی به دولت ندارد و لازم نیست این قسمت را آقایان در ماده بکنجاند.

مدرس - همین حالا از ادای سهم دولت ایران قید کنید.

مخبر - لزومی ندارد تمام این تبصره ها و تمام این مواد را نمی شود یکی یکی در نظر گرفت از تمام اینها که روی هم است این معانی حاصل است.

دو همین ماده سیزده گفتیم سهم دولت صد و بیست است از عایدات خالص بعد آمدیم خواستیم ببینیم عایدات خالص یعنی چه و آقایان تصدیق میفرمایند مخصوصاً آقای مدرس که معجادر کمیسیون بودند این تبصره هائیکه اینجا علاوه کردیم برای تعریف عایدی خالص تعریف سرمایه مصروف تعریف منفعت اضافی این را خواستیم این روشن کنیم وحدی اصلی بگذاریم برای اینکه اگر يك اختلافی در آتی پیدا کنیم مالزوری این اصل آن اختلاف را حل کنیم.

اشاره میکنند بسأله کمیانی نفت جنوب موقع مذاکره در آن نیست و بنده نمیخواهم در آن باب داخل مذاکره بشوم.

اینجا با واسطه سر مشقی که از آنجا گرفتیم برای چیزی دیگر تمام محکم کاری هائیکه باید بکنیم برای اینکه مسائل روشنتر باشد کردیم یکجا گفتیم صد بیست از عایدی خالص بعد اینجا آمدیم عایدی خالص را معین کردیم که چه چیز است وقتی که معین شد که چیست وقتیکه گفتیم از عایدی خالص باید قبل از اینکه منافع بین صاحبان سهام تقسیم گردد سهم دولت داده شود دیگر اشکالی ندارد.

مدرس - (خطاب بر رئیس) اجازه می فرمائید توضیح مختصری بدهم رئیس - بگذردی مشکلات است مدرس - فقط دو کلمه اگر همینطور که آقای فرماید رنگی بکشانش نیست این دو کلمه را اینجا اضافه فرمائید بعد از ادای سهم دولت ایران (از طرف نمایندگان - صبیح است)

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره پنجم

مخبر - این بسته بنظر مجلس است که این رنگ را از کفش ما بیرون بیاورد.

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد.

مدرس - عبارت پیشنهاد را دورتر به بخوانند که آقایان مستحضر شوند (مجدداً شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (جمع می آید نمایندگان برخواستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

مخبر - در صورتیکه نظر مجلس تصویب کرده است ذکر این عبارت را بنده از آقایان پیشنهاد کننده کان تقاضا می کنم اجازه فرمائید با اطلاع موافقت خودشان در هر نقطه از این ماده که این مقصود حاصل شود بطوری که اسباب مزاحمت نباشد طرف اعتراض نکنند این عبارت افزوده شود.

رئیس - اینکه بر می گردد به کمیسیون.

مخبر - بلی برای اینکه بنده صلاح نمایانم مجلس يك چیز را رای بدهد و ما بدون اینکه مشورت کنیم باقی ماده را هم بر زمین بماند ملاحظه بهتر این است که این ماده بر گردد بکمیسیون بنظر پیشنهاد کنندگان در هر جای از این ماده که صلاحیت دارد این عبارت را ذکر کنیم مدرس - از حيث جایش می گویند هیچ ندارد.

مخبر - بلی مطلبش را که مجلس رای داد.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقایان.

(بضمون آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم: چون قیمت نگاهداری آلات و ادوات در ماده قبل ذکر شده که بر قیمت نطق افزوده می شود سالی صد هفت و نیم هم برای استهلاك محسوب شده زاید است؛ ماده ثالث حذف شود

رئیس - آقا فرمائید

اخگر - اگر پیشنهادها باضمام ماده بر میگردد بکمیسیون که در آنجا مطالعه شود و نم المطلوب بنده قبول میکنم و حرقی ندارم و اگر نبرود بکمیسیون بنده توضیح خودم را عرض کنم

رئیس - پیشنهادها می رود بکمیسیون

اخگر - پس اگر پیشنهادها می رود بکمیسیون حالا بنده عرضی ندارم برای اینکه وقت مجلس زیاد صرف نشود رئیس - ممکن است کمیسیون قبول نکند آنوقت دوباره باید يك جلسه هم صرف پیشنهادها شود

اخگر - خوب اگر میفرمائید توضیح عرض کنم

سردار معظم - بلی توضیح بدهند شاید قابل توجه شود.

رئیس - فرمائید

اخگر در صفحه چهارده سفر هشتم نوشته شده است ثالثاً از کلیه سرمایه که برای خرید اسباب و ادوات و ملزومات و ماشین آلات و کلیه اشیا اینکه ممکن است بواسطه استعمال از قیمت آنها کاسته شود سالی صد هفت و نیم برای استهلاك محسوب خواهد شد در صورتیکه سابقاً قید شده بود و برای کلیه سرمایه مصروفه صد هفت و نیم استهلاك معین گردیده بودند

البته کلیه مخارجی که برای وارد کردن ماشین آلات و ادوات و غیره میشود جزء سرمایه مصروفه است اگر این صد هفت و نیمی که در این ماده ذکر شده مربوط به همان است دیگر تکرارش لازم نیست و اگر خير يك صد هفت و نیم دیگری است البته تصدیق می فرمائید که برای يك سرمایه دو صد هفت و نیم نمی شود استهلاك قرارداد بجهت این عبارت زاید است به جهت اینکه در ماده سابق ذکر شده و در اینجا تکرارش بی مورد است بنابراین باید حذف شود

مخبر - توضیح مفصلی بنده در این خصوص داده ام دیگر تکرار نکنم قبول نمی نمایم

رئیس - رای می گیرم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفر قیام نمودند)

رئیس - رده پیشنهاد دیگر آقایان

اخگر - چون توضیح دادند بنده قانع شده و مسترد می دارم.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقایان

(شرح ذیل - قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم بهد از عبارت ثانیاً هر گونه خساراتی که در عرض سال وارد بیاید و بوسیله بیمه یا بيك نحوی از انصاف تأمین نشده باشد اضافه شود (در صورتی که ورود این خسارات بواسطه قصور اولیای دولت ایران باشد)

اخگر - در اینجا همانطور که قبلاً عرض کردم (واظرف مخبر معترض جوابی نشنیدم)

بطور مطلق نوشته شده است هر گونه خساراتی که در عرض سال وارد بیاید و تصریح ندارد که این خسارات چگونه و از طرف کی وارد بیاید آیا خساراتی است که اتفاقاً از طرف ایرانها وارد آمده است یا خساراتی است که از طرف خود کمیانی وارد شده در هر صورت می نویسد باید از عایدات غیر خالص کسر شود.

بنده عرض می کنم ممکن است يك خساراتی از طرف مأمورین خود کمیانی وارد بیاید بلی اگر يك خسارتی بواسطه اتفاقات فوق العاده از قبیل سیل یا حریق وارد آید.

البته این گونه خسارات هم بیاورم به کمیانی وهم بصوم شرکاء ضرر وارد می آید ولی اگر يك خساراتی بواسطه

مثلاً سوخت ذغال جزء آن قسمت سرمایه است که ازین می رود ولی شریه ماشین از سرمایه است که باقی میانداوز بین می رود و میشود يك شماره برای اینها پیدا کرد تمام را اسم برد لذا بعضی دوتا مثل بطور اختصار برای روشن شدن مطلب زده شده مثل مزد حملات سوخت

مخارج اداری مخارج استقراض و بهد از این چند مثال می نویسد کلیه مخارجی که نمی توان آنرا جزء سرمایه مصروفه بحساب آورد.

مخبر - نظر کمیسیون هم موافق نظر دولت است.

رئیس - رای می گیرم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد دیگر آقایان

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در سطر ۱۹ بعد از اول سهم دولت عبارت (و اتباع ایران) اضافه شود

اخگر - جزو مستثنیاتی که اینجا ذکر شده است یکی هم سهم دولت است و همین دلیل هم آقای مخبر دفاع میفرمودند که اینجا سهم دولت نهاده در صورتی که صد سی از این سهام را دولت و اتباع ایران خریداری می نمایند این است که بنده پیشنهاد کرده ام سهم دولت و اتباع ایران یک صورت داشته باشد یعنی اختیار با تبع ایران داده شود و همان طور که دولت از منافع استفاده را کرده باشند.

مخبر - اینجا اول حق دولت را با اسهامی که اتباع ایران دارند نمیتوان يك نوع فرض کرد حق دولت صد بیست از منافع خالص است.

حائری زاده - ماده اش مفصل است ایشان تقصیر ندارند.

آقای سید یعقوب - ماده شصت و سه را هم در نظر بگیرد.

مخبر - و اسهامی را که اتباع ایران یا خود دولت میفرود صد سی از کلیه اسهام است و آن چیز دیگر است و اینجا مقصود از سهم دولت صد بیست است نه سهامی که دولت یا اتباع ایران خریداری میکنند بلکه مگر قسمت بعد که می نویسد ثانیاً منافی که ما بین صاحبان اسهام توزیع میشود نظر آقایان اخگر را تأمین نمی کند، یا مگر اتباع ایران جزو صاحبان اسهام نیستند؟

اخگر - اگر مقصود سهم صد بیست دولت است بنده پیشنهاد را مسترد می دارم.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقایان

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم راجع به تصاعد از صد سی هفت به بالا در هر در صد اضافه دو عشر بر سهم ایران افزوده شود و باین تناسب هر اضافی منظور شود.

اخگر - در اینجا يك شرکتی است بین ما و کمیانی که صد بیست یعنی خمس منافع حاصله متعلق بنا است و موافق قانون عموم شرکتهای دنیا هر طور که منافع حاصل شود در این صد بیست سهم دولت نباید اختلافی حاصل شود.

حالا اینجا می گویند اگر منافع اضافی ما بین ۷۰ و ۶۰ درصد باشد يك سهم بر بیست سهم اضافه میشود و ما بیست و يك سهم از صد سهم می بریم

در صورتی که همان طور که منافع حاصله صد بیست درصد برسد بصادق بیست باید بدهد از شصت به بالا هم بدهد سهمی که کمیانی عایدی اضافه میبرد دو سهم را با باید بدهد و هشت سهم را خودش بردارد مثلاً اگر ده تومان عایدش شد دو تومان را باید بدهد و هشت تومان را خودش بردارد پس در صورتی که از صد ۷۰ و ۶۰ کمیانی ۱۵ درصد اضافه منفعت می کند چرا باید يك درصد بیا اضافه بدهد در صورتی که مطابق صد بیستی که باید کمیانی بیا بدهد از این بازده سهم اضافه هم که می برد باید سه سهم بدولت بدهد چرا باید کمیانی بازده سهم اضافی منفعت به برد و بیا يك سهم بدهد

لهذا بنده پیشنهاد می کنم که از هر ده تومان یا ده صد تومان یا ده صد هزار تومان که کمیانی بیشتر از موضوع مقرر استفاده می کند مطابق همان صد بیست اولیه که بیا می دهد هشت سهم متعلق با ورود سهم بیا بدهد و این ترتیبی که در اینجا نوشته شده بهم می خورد و بجای بیست و يك بیست و دو میشود و بجای بیست و دو بیست و چهار و همین ترتیب بالا می رود دیگر بسته است بنظر آقایان.

وزیر امور خارجه - بنده خاطر آقایان را توجه می دهم باینکه این موضوع تصاعد يك قانون طبیعی نیست که ما ملزم کنیم کمیانی را که چون تا صد شصت بنا صد بیست می دهد از صد شصت هم که بالاتر است همان ترتیب رفتار کند این امری است که باید بین طرفین توافق باشد و بطوریکه دولت ایران با کمیانی مذاکره کرده این ترتیب طرفین قبول کرده اند و اگر ما بخواهیم این ترتیب را تغییر بدهیم باز ما مجبوریم برویم با کمیانی مذاکره کنیم و گمان هم نمی کنم بیش از این قبول کنند حالا بسته است بنظر آقایان

رئیس - رای می گیرم بقبایل توجه بودن اصلاح آقایان اخگر

این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد دیگر آقایان

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در سطر ۸ بعد از عبارت (بموجب دفاتر مجامع خودشان) عبارت با اطلاع مأمور دولت اضافه شود.

اخگر - چون جوابی که از طرف آقای وزیر امور خارجه داده شد اینطور بود که قرارداد با کمیانی بسته شده و هر چه مذاکره شود بیا بدهد است چون کمیانی قبول نمیکنند باین جهت بنده هم لازم نیمانم که بی خود مذاکره ای بشود و اگر این ترتیب است که هر طور کمیانی اظهار کرده ما هم حتماً باید قبول کنیم بنده هم کلیه پیشنهادها را مسترد می دارم و گمان میکنم اصلاح لازم نبود در موضوع لایحه نطق مذاکره بشود همین قدر لایحه را می آورند بمجلس و می گفتند در این رای بدهید.

وزیر امور خارجه - خیر آقایان اخگر اشتباه فرمودند بلی مسلماً يك قرار دادی که بین دولت فرست میشود البته باید بتراضی طرفین باشد ولی بنده اینجا عرض کردم که در این خصوص در مجلس سابق و در این دوره مذاکرات زیاد شده و حالا هم بنده بطور قطع عرض نکردم که هر پیشنهادی بشود و هر نظریه که آقایان نمایند کان داشته باشد کمیانی قطعاً قبول نخواهد کرد البته آقایان خودشان تجربه دارند میدانند اولاً قبل از اینها که لایحه بمجلس بیاید آن وقتیکه دولت با کمیانی مذاکره می کرد يك تغییراتی در لایحه داده شده بود که بعضی از آنها را باوقبولانندیم و بعضی ها قبول نکردیم بنده هم در کمیسیون مذاکره شد يك ملاحظاتی که بنظر آقایان اعضاء کمیسیون رسید باز هم در آن خصوص با کمیانی مذاکره ای کردیم و بعضی از آن نظریات را بنده سده نقطه تصحیه نشده مطابق صد چهار نقطه تصحیه شده است آقای مخبر معترض هم در دوره چهارم در ضمن توضیح هائی که میدادند میفرمودند بنظر خودمان و دو است ولی بنده حاضر ثابت کنم که صدی چهار هم زیادتر است يك کمیانی که اصلاح سرمایه اش را استهلاك میکند و سود را میگیرد حقوق متخمسین را میگیرد این ترتیب نمایانم چرا باید صد شصت از منافع را او برود و صد بیست بیا بدهد که چه حضرت والا فرمودند خدا برایتان ساخته با هایتان را دراز کنید و بخورید چشم ما هم با هایتان راجع می کنیم و میخوریم

نصرت العولی - هونکنید

کازرونی - چشم‌مهرام نواردمجا سبابت
میشوم و نه وارد دفتر میشوم نه خودمان
را باسم کیانی اصلی مسخره می‌کنیم اینها
تمام الفاظ مجرده است که هیچوقت مصداق
پیدا نمی‌کنند کی ما میتوانیم باینها رسیدگی
کنیم وقتی که بنامد عین‌لفظ سیاه از ایران
خارج شد وقت در یک محل دیگر تصفیه
شد برای ما چه نفعی باقی خواهد ماند البته
کیانی ممکن است هزار قسم استفاده از
سایر مواد نفی برد ولی برای ما چه
نفعی دارد نقش همان سیاهی است که از
ایران خارج شده است باین جهت بنده
پیشنهاد کردم که ده درصد از عین فقط در
سرحد بماند البته این ترتیب خیلی
واضح و روشن است و اسباب سوءظن کسی
هم نخواهد بود

مخبر - این پیشنهادی که آقای کازرونی
کردند همانطور که خودشان گفتند یکی
از مواد تعیین اخذ حق دولت ایران است
و همانطور که تذکر دادند یک کیانی در
دوره چهارم بود و همین مآخذ که ایشان
فرمودند یعنی صد ده از عین جنس استخراج
شده را پیشنهاد داده بود و در آن موقع
مذاکرات زیادی شد و خیلی متأسفم که یک
فترت طولانی بین مذاکرات دوره چهارم
و پنجم واقع شده و حافظه ما هم البته محقق
هستند که فراموش نمی‌آید.

در دوره چهارم مابین بنده و موافقین
دولت آنروز و شاهزاده سلیمان میرزا که
جزه مخالفین بودند بقدری مذاکره شد
اعتراضات رد و بدل شد که اگر بصورت
جلیات آنوقت مراجع شود حقیقتاً چیز
هریسی است و همه وقت گفته میشد که ما دو
کیانی در مقابل داریم یکی از آنها اساساً
غیر از آنکه از عین فقط با بدهد بطور
دیگری قبول نمی‌کرد و یک کیانی هم قریب
دادن منافع خالص بطور دیگر قبول نمی
کند و بالاخره در کمیسیون با توافق نظر
آقایان و کلا دولت از نقصانی که در
اطراف این کار شده اینطور نتیجه گرفته
شد که برای ما گرفتن از منافع خالص
بهتر از عین فقط است و حالا اگر بخوایم
هین مذاکرات آن دوره را شرح بدهم
خیلی طولانی خواهد شد

لذا آقای کازرونی را مراجعه می‌دهم
بصورت مجلس های آنوقت که بروند و به
بیتنه تمام استدلالات آنجا هست ولی یک
چیز را حالا بنده عرض می‌کنم این فقط
سیاه را که ما در سرحد گرفتیم تصدیق می
فرمائید انبار می‌خواهد کارخانه تصفیه
می‌خواهد اوله می‌خواهد هزار اشکال دارد
و البته آقایان باید در نظر داشته باشند که
این ترتیب یعنی گرفتن از منافع خالص بوده
که بصره ما نزدیکتر بوده است و همان
طوره که عرض کردم این کیانی هم بترتیب
دیگری قبول نمی‌کرد

رئیس - رأی می‌گیریم بقابل توجه بودن
پیشنهاد آقای کازرونی

کازرونی - اجازه می‌فرمائید یک توضیح
مختصری عرض کنم
رئیس - خارج از حدود نظامنامه است
آقایانیکه پیشنهاد آقای کازرونی را قابل
توجه میدانند قیام فرمائید
(عده قبلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای
وحیدالدوله قرائت میشود
(بشرح ذیل قرائت شد)
مقام مقدس ریاست مجلس
شورای ملی
بعلاوه سهمی که از ایات این امتیاز
کیانی بدولت میدهد ساکنین معلولهای
نفذ خیز تادوجه نسبت بسایرین باید نفع
بشوند بنده پیشنهاد میکنم در تقاضای سه
حرف چاه میشود صاحب امتیاز مخارج تعلیم
و تدریس اطفال ساکنین آن محل را بعهده
بگیرد که از طرف دولت مدارس ابتدائی
بقدر لزوم تأسیس بشود اطفال ساکنین
و مالکین آن اراضی تأمین فرسخ اطراف
هر چاهی مجاناً در آن مدارس تحصیل
نمایند وحیدالدوله

رئیس - توضیحی دارید
وحیدالدوله - مناقع اراضی و ذخایری
که در زمین هر محل است متعلق بساکنین
همان محل است
اگر اهالی این چهار ایات یکقدری
معلومات داشته باشند خیلی قبل از اینها می
توانستند این معادن را استخراج کنند
لیکن بواسطه عدم معلومات محروم ماندند
باین ترتیب خوب است کیانی اقلا اطفال
ساکنین آن معلعا را ذی نفع کند که من
بعد بتوانند پیش از پدرانشان از حقوق
خودشان استفاده کنند

باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم
چاههایی که حفر میشود و یک منافع عده
از آنها میرسد چه ضرر دارد که یک مختصر
از آنرا خرج تحصیل و تدریس اطفال
ساکنین آن محل بنمایند
یک خرج فوق العاده ای هم برای
کیانی نیست و البته در تمام عالم کیانیها
دوره معارف کارهای بزرگتر از این می
کنند چه ضرر دارد این کیانی هم این
ساعت را با اهالی آن محل هایشاید؟

رئیس - رأی می‌گیریم بقابل توجه
بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه می
دانند قیام فرمائید
(چند نفری قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد یک فقره اصلاح
دیگر مانده است
(مضمون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم در آخر ماده اضافه
شود - منافع کیانی هر قدر از صد پانزده
درصد اضافه شد بهمان نسبت و تصاعد کدر
این ماده ذکر شده منظور شود و حقوق دولت
ایران بهمان ترتیب اضافه و پرداخته شود
محمد هاشم میرزا

رئیس - رأی می‌گیریم بقابل توجه بودن
پیشنهاد آقای کازرونی

رئیس - بفرمائید
ملک التجار - بنده می‌خواستم عرض
کنم که ایشان در حقیقت بتجروز بیشتر مرخصی
نخواستند اند برای اینکه از پنجم محرم تا
ده روز که تعطیل است و حقیقتاً کمیسیون پنج
روز بیشتر تصویب نکرده است
یک نفر از نمایندگان - صحیح است
ملک التجار - بلی صحیح است
(خنده بین نمایندگان)
میرزا به الله خان پسر می‌گیرم
رئیس - پیشنهاد آقای عطیعی قرائت
میشود
(بشرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم لایحه پیشنهادی
دولت راجع بعمل در چاه ارومیه و باقیاتین
بکمیسیون خارجه نیز مراجعه شود زیرا این
امر بنسب است اینکه طرف تمهید خارجه خود را
معرفی می‌کنند در وزارت خارجه و کمیسیون
خارجه سوابقی دارد که دقت نظر کمیسیون
مزبور را بنده لازم میدانم
رئیس - ایشان تقاضا کرده اند این
لایحه به کمیسیون خارجه مراجعه شود
مخالفی ندارد؟
آقای سر کشیک زاده
(اجازه)
سر کشیک زاده - بنظر بنده چون این
مسئله مالی است بکمیسیون بودجه مراجعه
شود
رئیس - اول که بنا بود بکمیسیون
بوده به مراجعه شود ایشان پیشنهاد کرده
اند به کمیسیون خارجه هم مراجعه شود اگر
مخالفی نباشد رأی می‌گیریم
شیخ الرئیس - اجازه می‌فرمائید بنده
مخالفم
رئیس - بفرمائید - شما که نمی‌گذارد
کسی حرف بزند
شیخ الرئیس - بنده عرض میکنم
مناسبت ندارد به کمیسیون خارجه بروم به
جهت اینکه مربوط بکمیسیون خارجه نیست
حالا اگر دولت لازم میدانند چه عرض
کنم ولی ببقیه بنده لزومی ندارد به کمیسیون
خارجه بروم
عظیمی - گمان میکنم آقای شیخ الرئیس
از موضوع کاملاً اطلاع ندارند این موضوع
دوسه‌های مفصلی در وزارت خارجه دارد در
دوره چهارم هم دوسه این امر در کمیسیون
خارجه بود بنده هم باین ملاحظه عرض
کردم
رئیس - مخالفی ندارد؟
گفته شد خیر
(مجلس یکساعت بعد از ظهر
ختم شد)
م - شهاب
منشی - معظم السلطان
رئیس مجلس شورای ملی
مؤتمن الملك

رئیس - آقای یاسائی
(اجازه)
یاسائی - بنده با این راپورت بصورت
مخالفم اولاً باین ترتیب بودجه را تصویب
کردن (یعنی برای هر چیزی یک دوازدهم
در آتیه یک مشکلاتی برای وزارت مالیه
از نقطه نظر محاسبات تولید خواهد کرد
چنانکه در سال گذشته هم همین طور بوده
شده است و اساساً ترتیب تصویب بودجه هم
اینطور نیست که از برای هر چیزی بیابیم و
یک دوازدهم تصویب کنیم زیرا مشکلات
فعلی ملک یک طوری است که بودجه
مندانسته ممکن است
موافق با تشکیلات سابق نباشد و ناچار
بشود در آتیه یک استمداد هائی بکنند و
بالاخره یک مشکلاتی برای وزارت مالیه و
سایر وزارتخانه ایجاد خواهد کرد.
دیگر اینکه مطابق شکایاتی که از
ادارات و دوائر ولایات میرسد هنوز وزارت
مالیه موفق نشده است حقوق بروج سه گانه
را که تصویب شده است بپردازند شاید در
بعضی نقاط هنوز حقوق برج حمل ادارات
آنجاها پرداخته نشده است و اگر وزارت
مالیه وجهی حاضر دارد و بول در خزانه
موجود است خوب است حقوق برج حمل و نود
و جویزای آنها را بپردازند و پس از آنکه
حساب آنها تصفیه شد آنوقت یک همچو
لایحه بیاورند و تقاضای تصویب نمایند هیچ
تفاوت نمی‌کند ثباتی که در فلان اداره فرضاً
در ستر است حقوق می‌خواهد همچو پیشین
هم که در مرکز مشغول خدمت است آن هم
حقوق می‌خواهد همیشه در ایالات ولایات
اعضاء دوائر آخر برج که می‌شد مرتباً
حقوقشان را می‌گرفتند و در مرکز حقوق
ادارات و وزارتخانها شش ماه و هفت ماه
عقب می‌افتاد ولی حالا برعکس شده است
و پوها را از ولایات جمع آوری می‌کنند
و بیخانه‌داری می‌آید و حقوق وزارتخانها
را مرتباً می‌پردازند و حقوق ولایات عقب
می‌افتد.
های ای حال تبعش می‌شده است چه
حالا وجه در سابق بنده مخالفم و معتقدم
مادام که وزارت مالیه حقوق برج حمل و
نور و جویزای دوائر ایالات و ولایات را
نپرداخته است تصویب این لایحه مورد
ندارد.
مخبر - این اعتراضی که آقای یاسائی
فرمودند دو قسمت است
یکی راجع است باینکه تصویب بودجه
اینطور صحیح نیست البته این را بنده
تصدیق می‌کنم که تصویب بودجه باین
ترتیب صحیح نیست ولی از طرف دیگر
هم تصور نمی‌کنم که کمیسیون بودجه در
این باب قصور و کوتاهی کرده باشد برای
اینکه کمیسیون بودجه هفت چهار جلسه
مرتب داشته و به بودجه‌ها رسیدگی می‌کرده
است و علت تأخیر دو چیز بوده است یکی
اینکه کمیسیون می‌خواستند استمدادها را

طوری بنویسد که با قانون استخدام مطابقت
کند
و بگرایند کلیه بودجه‌ها را یک مرتبه
بمجلس بیارند که هم جمع معلوم باشد و هم
خرج و چون در وزارتخانها یک بودجه
مرتبی نبود که با قانون استخدام مطابقت
کند این بود که یک قدری هم در تقدیم
اینها تأخیر شد و چنانچه کمیسیون پیشین
کرده است استمدادها را برای آخرین برج
بودجه‌ها تهیه شود با این حال نمی‌شود
حقوق ادارات خاصه یک مغایری را که
اگر خرج نشود برای دولت ضرر است
موقوف گذاشت
همه مخارج حقوق نیست همه حقوق
هم حقوق دوائر ایالات و ولایات نیست و
دوائر ایالات و ولایات هم بطوریکه بفرمائید
حقوقشان موقوف نمانده است
در ولایات بعضی جاها است که حقوق
تا آخر برج جویزای آنها پرداخته شده
است و در مرکز آنجاها می‌کنند که لازم بوده است
داده‌اند و یک مخارج ضروری که برای
ادارات بوده آنها هم پرداخته شده در هر
حال این وجه یک اعتباری است و اینکه
می‌فرمائید بعد ممکن است برای وزارت
مالیه تولید اشکالاتی بشود بنده عرض میکنم
این لایحه را خود وزارت مالیه پیشنهاد
کرده است و اگر کمیسیون داری اشکالاتی دارد
پیشنهاد نمی‌کرد
رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده
نقطه نظر من مخالقم با رئیس دولت بکمیسیون
بودجه یا بگرفتن اعضا ادارات حقوق برج
سرطان را نیست فقط در عمل چنانکه
آقای یاسائی گفتند بنده هم مترشح وزارت
خانها البته مهم و اهم دارد نظام
تظلمه - نظمی که اینها حتماً باید ماه بماه
حقوقشان برسد ولی سایر وزارتخانها دو
عرض هدید بگرفتن مثل وزارت معارف
و وزارت عدلیه و غیره ولی غالباً دیده میشود
که حقوق برج حمل و نود و جویزای وزارت
مالیه را می‌دهند ولی نسبت با جیره وزارت
معارف و تعلیم بیچاره عطف توجهی
نمی‌شود
چنانکه دوره چهارم نسبت به حقوق
موقوفه آنها رأی رد دادند و مایه بیستیم آن
کسانی که حقوق بزرگتر و فرمهای درشت تر
دارند تمام حقوقشان را گرفته اند با اکثر
آنها گرفته اند ولی اشخاصی که سی تومان
و چهل تومان و پنجاه تومان حقوق دارند
شده بشش ماه حقوق آنها به توفیق می‌افتد
از این نقطه نظر عرض می‌کنم که وزارت
مالیه بداند و کلا می‌دانند که در حقوق دادن
تجزیه و تبعیض می‌شود و نظر باینکه ما کیل
عامه هستیم بنده هم مخالفت می‌کنم
غیر از نظام و نظمی و تقیله سایرین در مرض هم
و باید ملی التصاری حقوق بگرفته نه اینکه

آن کسانی که دستشان توی پول است مرتباً حقوقشان را می گیرند اما معلوم نیست یا قضات عدلیه یا اعضاء وزارت داخله سه ماه و چهار ماه حقوقشان عقب می افتد همیشه هشت ماه و نه ماه از دولت طلبکار می باشند و طلب کارهای آنها بنام اینکه يك برج تصویب شده است بآنها فشار میاورند و حال آنکه به آنها داده نمی شود باینجه بنده مخالفم .

وزیر مالیه - بنده اظهارات آقای طهرانى و اسائى را كاملاً تكذيب مى كنم اينكه مى فرمايند وزارت مالیه در پرداخت حقوق تبیض می کند اینطور نیست ترتیب پرداخت حقوق در وزارت مالیه بستمه بوضیعت خزانه است یعنی اگر باندازه كلیه مخارج مملكتی در خزانه یول باشد آنوقت تسام مخارج را خزانه می پردازد و برای سه برج گذشته هدهالسه كه مجلس تصویب کرده و اجازه پرداخت داده است وزارت مالیه تا آخر جوزا باندازه كه وضیعت خزانه اجازه میدهد با ملاحظه الامه فالام حقوق داده است

اما اینکه فرمودند وزارت مالیه پول ولایات را در مرکز جمع نموده و بمصرف مخارج وزارت مالیه یا وزارتخانه های دیگر میرساند اینطور نیست برای اینکه هنوز

حقوق برج جوزای وزارت جلله چنگ هم كه بایستی پرداخته شود و بمقیده آقای طهرانى باید مقدم باشد پرداخته نشده است و این يك دوازدهم كه برای برج سرطان تقاضا شده است این يك اعتباری است كه خواسته می شود و بطوریکه آقای مغیر

فرمودند يك مخارجی است برای بهره برداری دولت كه اگر بمصرف نرسد ممكن است ضرر و خسارتی برای دولت فراهم بیآورد و این اجازه هم كه مجلس می دهد مفهومی این نیست كه وزارت مالیه فوراً تمام مخارج وزارتخانه ها را تأدیبه نماید بلكه این يك اجازه ایست كه داده می شود هر وقت وضیعت خزانه اجازه بدهد عمل می شود و تبیض هم نخواهد شد

(بعضی گفتند مذاكرات كافی است و بعضی اظهار نمودند كافی نیست)

رئیس - رأی می گیریم بكمفایت مذاكرات آقایانی كه مذاكرات را كافی میدانند قیام فرمایند

(اكثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود كافی است . رأی گرفته می شود باده واحد آورده آقایانی كه تصویب می کنند و رفه سفید والا و رفه كبود خواهند داد

ولی پیشنهادی از طرف آقای نظم المللك رسیده است قرائت می شود و تكلیف آن كه معین شد آنوقت در خود ماده واحد رأی گرفته می شود

(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می كنم تبصره ذیل به ماده واحده علاوه شود: **مأمورین خارجه كه مشمول قانون مصوب ۱۶ حمل ۱۳۰۱ و هنوز در مقام خود باقی هستند حق دریافت حقوق از باب يك دوازدهم فوق الذكر ندارند**

مخبر - مضمون پیشنهاد آقای عطیسی منظور نظر آقایان اعضاء كمیسیون بود منتهی لازم ندانسته اند كه در اینجا نوشته شود در خود بود چه وزارت خارجه هم این منظور كاملاً تأمین شده است و ایشان میتوانند كاملاً مطمئن باشند

فجانه (خطاب به مخبر) - بنول كنید .

مخبر - بستمه برای مجلس است **رئیس** - آقای نظم المللك (اجازه)

نظم المللك - بنده از این فرمایش آقای عماد السلطنه كه فرمودند نظریه بنده تأمین شده است نمی توانم مطمئن شوم الان مجلس تصویب می كند كه حقوق برج سرطان وزارتخانه ها و مخارج دولتی را مطابق ستمه ماضیه يك دوازدهم بپردازند و آیا این مأمورین حقوق خواهند گرفت یا خیر؟ اگر حقوق بگیرند مقصود بنده تأمین شده است و اگر نگیرند مقصود بنده تأمین نشده است .

مخبر - مأمورین خارجه آنهايكه مشمول قانون ۱۶ حمل هستند از این باب حقوق نخواهند گرفت برای اینکه در بودجه وزارت خارجه با حضور آقای وزیر مالیه و رئیس مالیه تصویب شده است كه حقوق آنها عجلتاً توفیق است

رئیس - رأی می گیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی كه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

رئیس - رأی می گیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد

رئیس قابل توجه شد لاجنه نفت در ماده ۱۴ مطرح است

(اكثر قیام نمودند)

آشتیانی - اجازه می فرمایند؟

رئیس - بفرمائید

آشتیانی - در موضوع ماده واحده رأی را تمام نفرمودید

رئیس - چون پیشنهاد قابل توجه شد مراجعه می شود بكمیسیون و بر طبق ماده ۶۳ نمی شود رأی گرفت (خطاب به مخبر كمیسیون نفت) مواديكه به كمیسیون مراجعه شده بود هنوز رأی نرسیده داده نشده است ؟

مخبر - سه ماده هشت و یازده سیزده كه بكمیسیون مراجعه شده بود دیروز در كمیسیون قطع شده و بنده فرصت نكردم رأی آن را بنویسم و تقدیم كنم ولی اگر اجازه می فرمائید اصلاحات را شفاهاً عرض كنم و آقایان بنویسند یا اینکه قبل از ظهر كمیسیون تشكيل شود رأی آنها تقدیم شود .

رئیس - رأی را برت آنرا در موقع تنفی

بدهید و بعد از تنفی رأی گرفته می شود **مخبر** - بسیار خوب **رئیس** - ماده چهاردهم قرائت می شود

ماده ۱۴ - صاحب امتیاز قبول میکند مجاناً و بلاعوض يك عمده یا صدی چند از سهام اولین كیسانی همین كه مطابق ماده ۱۰ این امتیاز تشكيل شد بدولت واگذار نماید این عمده یا صدی چند از سهام بایستی و قیمت آنها معادل سی هزار استرلینگ باشد این تمهد فقط مراجع با اولین كیسانی خواهد بود یا انتقال دولت ایران حق دارد اگر مایل باشد در آتیه سهام خود را كه از كیسانی اولیه داراست یا سهام سایر كیسانی ها و مشترك های فرعی آنها كه بعداً تشكيل شود بدون هیچ شرطی عوض نماید فقط قیمت اسمی آنها باید معادل هم باشد

رئیس - آقای مشارعظم **مشارعظم** - موافقم **رئیس** - آقای تدین **تدین** - موافقم ولی يك كلمه اش گویا افتاده است

مخبر - صحیح است حذف شده است **رئیس** - آقای آقا سید یعقوب **آقا سید یعقوب** - موافقم ولی اشكالی دارم و می خواستم يك توضیحی از طرف مغیر یا يكی از اعضاء كمیسیون داده شود . **رئیس** - پیشنهاد كنید .

آقا سید یعقوب - چیزی نیست كه پیشنهاد توضیحش كند این ماده چهاردهم از آن موادی است كه كمیسیون منافع دولت را در اینجا ملاحظه کرده است و در این ماده نوشته شده است كه كیسانی باید سی هزار لیره بدولت ایران بدهد اما اینكه نوشته شده است : با این حال دولت ایران حق دارد مایل باشد در آتیه سهام خود را كه از كیسانی اولیه داراست با سهام سایر كیسانیها و شر كتهای فرعی آنها كه بعد ها تشكيل شود بدون هیچ شرطی عوض نماید .

میخواهم عرض كنم این چه فایده دارد این مطلبی كه كمیسیون ملاحظه کرده است برای دولت نفش چیست ؟ آنچه بنده تصور میكنم نفش فقط برای همان كیسانی اولی است دیگر چه فایده دارد كه در این ماده نوشته شده است دولت میتواند سهامش را با سهام سایر كیسانیها و شر كت های فرعی عوض نماید .

مخبر - ممكن است تصور كرد كیسانیهایی كه بعد تشكيل میشود آنها بهتر باشد باین جهه استیاری برای دولت گذاشته شده است كه اگر كیسانیهای فرعی بهتر بود دولت میتواند این كار را بکند و اگر كیسانی اولی بهتر بود البته معاوضه نخواهد كرد .

مخبر - ممكن است تصور كرد كیسانیهایی كه بعد تشكيل میشود آنها بهتر باشد باین جهه استیاری برای دولت گذاشته شده است كه اگر كیسانیهای فرعی بهتر بود دولت میتواند این كار را بکند و اگر كیسانی اولی بهتر بود البته معاوضه نخواهد كرد .

رئیس - رأی را برت آنرا در موقع تنفی

پیشنهاد كردم كه اگر موافق نرخ روز و بازار سهام را عوض كنند بهتر است . **رئیس** - آقای مشارعظم (اجازه)

مشارعظم - بنظر بنده این ماده يكی از بهترین موادی است كه در این امتیاز نوشته شده اولاً ایرادتی كه شاهزاده محمد ولی میرزا فرمودند هیچ وارد نیست برای اینست كه دولت در همه جا منفعت صدی سی از سهام خود را از این كیسانی با شر كتهای دیگری كه تشكيل میشود خواهد داشت و این سی هزار لیره هیچ مربوط بآن قضیه نیست ببله اولاً این سی هزار لیره را كه كیسانی بدولت تسلیم میکند دولت این سهام را میتواند همیشه با سایر سهام معاوضه كند و این بصره ماست برای اینستكه سهام با آن حدودی كه برایش معین کرده اند ممكن است همیشه تنزل یا ترقی قیمت داشته باشد و دولت سهام خودش را ممكن است با سهام سایر شر كتهای عوض كند و میتواند همیشه از این كار منتهم باشد اینستكه آقای رئیس التجار پیشنهاد کرده اند كه استرلینگ بدلار تبدیل شود هیچ لازم نیست زیرا قیمت استرلینگ همیشه در دنیا همین است و پولی است كه در دنیا اعتبار و رواج كامل دارد و اسم لیره هم لازم نیست برای اینستكه لیره اهم از لیره عثمانی یا انگلیسی است ولی استرلینگ مخصوص همان لیره انگلیسی است .

مخبر - نه آقا ذكر لیره لازم است . **مشارعظم** - بالآخره بقیده بنده این ماده هیچ تغییر لازم ندارد (جمعی گفتند مذاكرات كافی است بعضی گفته كافی نیست)

رئیس - رأی می گیریم بكمفایت مذاكرات آقایانی كه مذاكرات را كافی میدانند قیام فرمایند

(اكثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود كافی است . رأی می گیریم باده ۱۴ . **حائری زاده** - بنده پیشنهادی دارم (در این موقع پیشنهادی از طرف شاهزاده شیخ الرئیس رسیده بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میكنم كلمه ملا نوشته شود - **مخبر** - كمیسیون نمی تواند قبول كند برای اینستكه لیره استرلینگ كلیتاً طلا است و هیچ وقت كافی نیست .

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه) **محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** - چون مكرر دیده ایم هريك از پولهای خارجه كه طلا است بعضی ها كافی هم دارد حالا اگر میفرمائید استرلینگ يك كلمه ایست كه معنی طلا در آن است و استرلینگ كافی صورتمی شود و تا اینجا سال دیگر استرلینگ كافی درست نمی شود بنده پیشنهاد خودم را پس

میگیرم والا يك كلمه را پذیرفتن اشكالی ندارد . **رئیس** - شاهزاده شیخ الرئیس پیشنهاد شان را پس گرفته پیشنهاد آقای حائری زاده . **رئیس** - آقای مشارعظم (اجازه)

(باین ترتیب خوانده شد) بنده پیشنهاد كنم عوض سی هزار لیره افلا چهل هزار لیره نوشته شود . **رئیس** - توضیح بدهید **حائری زاده** - اصلاً باید فهمید كه فقط امروز نامرغوب تر از سیست سال پیش شده یا مشتری دیگری پیدا نكرد ؟

در بیست سال پیش وقتی كه داری امتیاز فقط جنوب را از دولت ایران چهل هزار لیره بلاعوض و معانی بدولت ایران سهم داده است . **تدین** - بیست هزار لیره حائری زاده - بیست هزار لیره پول نقد بوده و بیست تا هم سهم این فصل و هم نقد جنوب است میخوانم . **رئیس** - خوب حالا لازم نیست بفرمائید . **حائری زاده** - این ماده را برای آقایانی كه هم میكنند لازم است قرائت كنم . **بین صاحب امتیاز از يك طرف و شر كتی كه تشكيل میشود از طرف دیگر قرار داده است .** **رئیس** - خوب حالا لازم نیست بفرمائید . **حائری زاده** - این ماده را برای آقایانی كه هم میكنند لازم است قرائت كنم . **بین صاحب امتیاز از يك طرف و شر كتی كه تشكيل میشود از طرف دیگر قرار داده است .** **رئیس** - نه آقا ذكر لیره لازم است . **مشارعظم** - بالآخره بقیده بنده این ماده هیچ تغییر لازم ندارد (جمعی گفتند مذاكرات كافی است بعضی گفته كافی نیست)

پیشنهاد كردم كه اگر موافق نرخ روز و بازار سهام را عوض كنند بهتر است . **رئیس** - آقای مشارعظم (اجازه)

مشارعظم - بنظر بنده این ماده يكی از بهترین موادی است كه در این امتیاز نوشته شده اولاً ایرادتی كه شاهزاده محمد ولی میرزا فرمودند هیچ وارد نیست برای اینست كه دولت در همه جا منفعت صدی سی از سهام خود را از این كیسانی با شر كتهای دیگری كه تشكيل میشود خواهد داشت و این سی هزار لیره هیچ مربوط بآن قضیه نیست ببله اولاً این سی هزار لیره را كه كیسانی بدولت تسلیم میکند دولت این سهام را میتواند همیشه با سایر سهام معاوضه كند و این بصره ماست برای اینستكه سهام با آن حدودی كه برایش معین کرده اند ممكن است همیشه تنزل یا ترقی قیمت داشته باشد و دولت سهام خودش را ممكن است با سهام سایر شر كتهای عوض كند و میتواند همیشه از این كار منتهم باشد اینستكه آقای رئیس التجار پیشنهاد کرده اند كه استرلینگ بدلار تبدیل شود هیچ لازم نیست زیرا قیمت استرلینگ همیشه در دنیا همین است و پولی است كه در دنیا اعتبار و رواج كامل دارد و اسم لیره هم لازم نیست برای اینستكه لیره اهم از لیره عثمانی یا انگلیسی است ولی استرلینگ مخصوص همان لیره انگلیسی است .

مخبر - نه آقا ذكر لیره لازم است . **مشارعظم** - بالآخره بقیده بنده این ماده هیچ تغییر لازم ندارد (جمعی گفتند مذاكرات كافی است بعضی گفته كافی نیست)

رئیس - رأی می گیریم بكمفایت مذاكرات آقایانی كه مذاكرات را كافی میدانند قیام فرمایند

(اكثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود كافی است . رأی می گیریم باده ۱۴ . **حائری زاده** - بنده پیشنهادی دارم (در این موقع پیشنهادی از طرف شاهزاده شیخ الرئیس رسیده بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میكنم كلمه ملا نوشته شود - **مخبر** - كمیسیون نمی تواند قبول كند برای اینستكه لیره استرلینگ كلیتاً طلا است و هیچ وقت كافی نیست .

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه) **محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** - چون مكرر دیده ایم هريك از پولهای خارجه كه طلا است بعضی ها كافی هم دارد حالا اگر میفرمائید استرلینگ يك كلمه ایست كه معنی طلا در آن است و استرلینگ كافی صورتمی شود و تا اینجا سال دیگر استرلینگ كافی درست نمی شود بنده پیشنهاد خودم را پس

میگیرم والا يك كلمه را پذیرفتن اشكالی ندارد . **رئیس** - شاهزاده شیخ الرئیس پیشنهاد شان را پس گرفته پیشنهاد آقای حائری زاده . **رئیس** - آقای مشارعظم (اجازه)

(باین ترتیب خوانده شد) بنده پیشنهاد كنم عوض سی هزار لیره افلا چهل هزار لیره نوشته شود . **رئیس** - توضیح بدهید **حائری زاده** - اصلاً باید فهمید كه فقط امروز نامرغوب تر از سیست سال پیش شده یا مشتری دیگری پیدا نكرد ؟

در بیست سال پیش وقتی كه داری امتیاز فقط جنوب را از دولت ایران چهل هزار لیره بلاعوض و معانی بدولت ایران سهم داده است . **تدین** - بیست هزار لیره حائری زاده - بیست هزار لیره پول نقد بوده و بیست تا هم سهم این فصل و هم نقد جنوب است میخوانم . **رئیس** - خوب حالا لازم نیست بفرمائید . **حائری زاده** - این ماده را برای آقایانی كه هم میكنند لازم است قرائت كنم . **بین صاحب امتیاز از يك طرف و شر كتی كه تشكيل میشود از طرف دیگر قرار داده است .** **رئیس** - نه آقا ذكر لیره لازم است . **مشارعظم** - بالآخره بقیده بنده این ماده هیچ تغییر لازم ندارد (جمعی گفتند مذاكرات كافی است بعضی گفته كافی نیست)

پیشنهاد كردم كه اگر موافق نرخ روز و بازار سهام را عوض كنند بهتر است . **رئیس** - آقای مشارعظم (اجازه)

مشارعظم - بنظر بنده این ماده يكی از بهترین موادی است كه در این امتیاز نوشته شده اولاً ایرادتی كه شاهزاده محمد ولی میرزا فرمودند هیچ وارد نیست برای اینست كه دولت در همه جا منفعت صدی سی از سهام خود را از این كیسانی با شر كتهای دیگری كه تشكيل میشود خواهد داشت و این سی هزار لیره هیچ مربوط بآن قضیه نیست ببله اولاً این سی هزار لیره را كه كیسانی بدولت تسلیم میکند دولت این سهام را میتواند همیشه با سایر سهام معاوضه كند و این بصره ماست برای اینستكه سهام با آن حدودی كه برایش معین کرده اند ممكن است همیشه تنزل یا ترقی قیمت داشته باشد و دولت سهام خودش را ممكن است با سهام سایر شر كتهای عوض كند و میتواند همیشه از این كار منتهم باشد اینستكه آقای رئیس التجار پیشنهاد کرده اند كه استرلینگ بدلار تبدیل شود هیچ لازم نیست زیرا قیمت استرلینگ همیشه در دنیا همین است و پولی است كه در دنیا اعتبار و رواج كامل دارد و اسم لیره هم لازم نیست برای اینستكه لیره اهم از لیره عثمانی یا انگلیسی است ولی استرلینگ مخصوص همان لیره انگلیسی است .

مخبر - نه آقا ذكر لیره لازم است . **مشارعظم** - بالآخره بقیده بنده این ماده هیچ تغییر لازم ندارد (جمعی گفتند مذاكرات كافی است بعضی گفته كافی نیست)

رئیس - رأی می گیریم بكمفایت مذاكرات آقایانی كه مذاكرات را كافی میدانند قیام فرمایند

(اكثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود كافی است . رأی می گیریم باده ۱۴ . **حائری زاده** - بنده پیشنهادی دارم (در این موقع پیشنهادی از طرف شاهزاده شیخ الرئیس رسیده بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میكنم كلمه ملا نوشته شود - **مخبر** - كمیسیون نمی تواند قبول كند برای اینستكه لیره استرلینگ كلیتاً طلا است و هیچ وقت كافی نیست .

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه) **محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** - چون مكرر دیده ایم هريك از پولهای خارجه كه طلا است بعضی ها كافی هم دارد حالا اگر میفرمائید استرلینگ يك كلمه ایست كه معنی طلا در آن است و استرلینگ كافی صورتمی شود و تا اینجا سال دیگر استرلینگ كافی درست نمی شود بنده پیشنهاد خودم را پس

میگیرم والا يك كلمه را پذیرفتن اشكالی ندارد . **رئیس** - شاهزاده شیخ الرئیس پیشنهاد شان را پس گرفته پیشنهاد آقای حائری زاده . **رئیس** - آقای مشارعظم (اجازه)

(باین ترتیب خوانده شد) بنده پیشنهاد كنم عوض سی هزار لیره افلا چهل هزار لیره نوشته شود . **رئیس** - توضیح بدهید **حائری زاده** - اصلاً باید فهمید كه فقط امروز نامرغوب تر از سیست سال پیش شده یا مشتری دیگری پیدا نكرد ؟

در بیست سال پیش وقتی كه داری امتیاز فقط جنوب را از دولت ایران چهل هزار لیره بلاعوض و معانی بدولت ایران سهم داده است . **تدین** - بیست هزار لیره حائری زاده - بیست هزار لیره پول نقد بوده و بیست تا هم سهم این فصل و هم نقد جنوب است میخوانم . **رئیس** - خوب حالا لازم نیست بفرمائید . **حائری زاده** - این ماده را برای آقایانی كه هم میكنند لازم است قرائت كنم . **بین صاحب امتیاز از يك طرف و شر كتی كه تشكيل میشود از طرف دیگر قرار داده است .** **رئیس** - نه آقا ذكر لیره لازم است . **مشارعظم** - بالآخره بقیده بنده این ماده هیچ تغییر لازم ندارد (جمعی گفتند مذاكرات كافی است بعضی گفته كافی نیست)

پیشنهاد كردم كه اگر موافق نرخ روز و بازار سهام را عوض كنند بهتر است . **رئیس** - آقای مشارعظم (اجازه)

مشارعظم - بنظر بنده این ماده يكی از بهترین موادی است كه در این امتیاز نوشته شده اولاً ایرادتی كه شاهزاده محمد ولی میرزا فرمودند هیچ وارد نیست برای اینست كه دولت در همه جا منفعت صدی سی از سهام خود را از این كیسانی با شر كتهای دیگری كه تشكيل میشود خواهد داشت و این سی هزار لیره هیچ مربوط بآن قضیه نیست ببله اولاً این سی هزار لیره را كه كیسانی بدولت تسلیم میکند دولت این سهام را میتواند همیشه با سایر سهام معاوضه كند و این بصره ماست برای اینستكه سهام با آن حدودی كه برایش معین کرده اند ممكن است همیشه تنزل یا ترقی قیمت داشته باشد و دولت سهام خودش را ممكن است با سهام سایر شر كتهای عوض كند و میتواند همیشه از این كار منتهم باشد اینستكه آقای رئیس التجار پیشنهاد کرده اند كه استرلینگ بدلار تبدیل شود هیچ لازم نیست زیرا قیمت استرلینگ همیشه در دنیا همین است و پولی است كه در دنیا اعتبار و رواج كامل دارد و اسم لیره هم لازم نیست برای اینستكه لیره اهم از لیره عثمانی یا انگلیسی است ولی استرلینگ مخصوص همان لیره انگلیسی است .

مخبر - نه آقا ذكر لیره لازم است . **مشارعظم** - بالآخره بقیده بنده این ماده هیچ تغییر لازم ندارد (جمعی گفتند مذاكرات كافی است بعضی گفته كافی نیست)

رئیس - رأی می گیریم بكمفایت مذاكرات آقایانی كه مذاكرات را كافی میدانند قیام فرمایند

(اكثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود كافی است . رأی می گیریم باده ۱۴ . **حائری زاده** - بنده پیشنهادی دارم (در این موقع پیشنهادی از طرف شاهزاده شیخ الرئیس رسیده بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میكنم كلمه ملا نوشته شود - **مخبر** - كمیسیون نمی تواند قبول كند برای اینستكه لیره استرلینگ كلیتاً طلا است و هیچ وقت كافی نیست .

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه) **محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** - چون مكرر دیده ایم هريك از پولهای خارجه كه طلا است بعضی ها كافی هم دارد حالا اگر میفرمائید استرلینگ يك كلمه ایست كه معنی طلا در آن است و استرلینگ كافی صورتمی شود و تا اینجا سال دیگر استرلینگ كافی درست نمی شود بنده پیشنهاد خودم را پس

میگیرم والا يك كلمه را پذیرفتن اشكالی ندارد . **رئیس** - شاهزاده شیخ الرئیس پیشنهاد شان را پس گرفته پیشنهاد آقای حائری زاده . **رئیس** - آقای مشارعظم (اجازه)

(باین ترتیب خوانده شد) بنده پیشنهاد كنم عوض سی هزار لیره افلا چهل هزار لیره نوشته شود . **رئیس** - توضیح بدهید **حائری زاده** - اصلاً باید فهمید كه فقط امروز نامرغوب تر از سیست سال پیش شده یا مشتری دیگری پیدا نكرد ؟

در بیست سال پیش وقتی كه داری امتیاز فقط جنوب را از دولت ایران چهل هزار لیره بلاعوض و معانی بدولت ایران سهم داده است . **تدین** - بیست هزار لیره حائری زاده - بیست هزار لیره پول نقد بوده و بیست تا هم سهم این فصل و هم نقد جنوب است میخوانم . **رئیس** - خوب حالا لازم نیست بفرمائید . **حائری زاده** - این ماده را برای آقایانی كه هم میكنند لازم است قرائت كنم . **بین صاحب امتیاز از يك طرف و شر كتی كه تشكيل میشود از طرف دیگر قرار داده است .** **رئیس** - نه آقا ذكر لیره لازم است . **مشارعظم** - بالآخره بقیده بنده این ماده هیچ تغییر لازم ندارد (جمعی گفتند مذاكرات كافی است بعضی گفته كافی نیست)

که ملاحظه می کنیم میتوان گفت که دولت ایران این کمیانی بشکر کتی کرده اراضی نفعی مال دولت ایران بول داده سرمایه علم و عمل آن کمیانی دست دروهم چهارم که اراضی نفعی باشد سرمایه کمیانی باشد علم و عمل که در آنجا عملی میشود اینها ایجاد منافع میکند که باید بیک تناسبی این منافع قسمت شود

حالا سهم مارا قسمی فرارده افند کم یازاد آن یک مبعی است که راجع باین ماده نیست

ولی در این ماده در هیئت مدیره بر حسب این سهمی که برای ما منظور داشته اند خمس آرا حقا باید ملی ما باشد برای اینکه ما در منافع و مضاربا کمیانی شریک هستیم

یعنی دولت ایران از آن عایدات خالصی که تقسیم میشود اولاً یک پنجم آنرا برای حق الارض میگیرد و یک پنجم دیگر بین شرکاء قسمت می شود

پس یک خمس آراء که حقا مال دولت است باید داشته باشیم

در یکی از مواد دیگر نوشته که صدسی سهام رادولت و رعایای ایران حق دارند خریداری نمایند اگر ما آن صد سی را بولی پیدا کردیم و خریداری نمودیم

چون جزء اعمال نیست که در اینجا نوشته اند

لذا باید صدسی از آراء آنجا را هم برای آن سهام دارا باشیم

فرض میکنیم صدویست را از پنج سهم از بابت قسش دولت ایران باید بیست و پنج سهم در آراء حق شرکت داشته اند سی سهم از صد سهم از بابت سهامی که حق دارد خریداری کند و شاید بتواند نخرید بادر شرکت کند

این میشود ۵۰ سهم از ۱۲۰ سهم که حق مساوت است

در صورتیکه آن صدسی را هم خریداری کنیم

پس اگر خریدیم حق ماده آن قسمت صدسی پایمال شده و این محدود کردن پایتیکه

در هر حال دولت لافل خمس آراء را دارا خواهد بود

حق مارا بکلی پایمال می کند و بنده می گویم که این یکی از موادی است که باید منفعت دولت ایران کاملاً در آنجا گنجانیده شود ولی کاملاً نفع دولت ایران منظور نشده

من منتقمم که از روی تناسب سهام (اگر بول پیدا کردیم و خریدیم) حق شرکت در هیئت مدیره در آراء صومیشان بنا بدهند که در آنجا حق مضایع نشود

رئیس آقای مشاراعظم اجازه

مشار اعظم منظور آقای حائری زاده این است که غیر از آن حتی که دولت در صدی بیست دارد در آن قسمت صدی سی هم که اتباع ایران از سهام بخیرند حق تعیین مدیر و هیئت مدیره داشته باشند اما در آخر ماده ذکر است

در مجامع عمومی صاحبان سهام هم دولت هم صاحبان سهامی ایرانی حق حضور و بنابر این حق رای به نسبت همه سهامی که دارند خواهند داشت

در مجامع عمومی منظور آقای حائری زاده کاملاً رعایت شده و در مجامع عمومی مطابق سهامی که خریده اند حق رای دارند

بنده گمان می کنم خمس از آراء را که بدولت ایران می دهند برای اینست که اظهار نظر در قضایا بکنند کافی است

بلاوه باینکه در آنجا اظهار نظر در مسائل اقتصادی است برای تأسیسات جدید و تشکیل مؤسسات و کمیانی های فرعی این هیئت مدیره که تشکیل می دهند

برای انتظام امور داخلی کمیانی است و برای رفع يك اختلافاتی نیست که اگر ما یک خمس آراء را بیشتر نداشته باشیم از این جهت دوچار اشکال شده باشیم

اگر بنا شد یک مخالفتهائی هم بر بخوریم آن مطابق مواد دیگری که تصریح شده است

بآنطور انجام میگیرد بنابراین این خمس آرائی که قرار داده اند مال دولت باشد برای اظهار نظر در امور کمیانی یا نظریات جدیدی که کمیانی پیدا میکنند کاملاً کافی خواهد بود دیگر هیچ لزومی ندارد که برای آنقسم صدسی سی هم که خریداری میکنیم (یا اینکه صاحب سهام ایرانی در مجامع عمومی حق حضور دارند) یک اشکالاتی بترسیم که چون ما اینجا صدی بیست داریم و از آن طرف هم احتمال دارد صدی سه از سهام را بخیریم باید نصف آراء پنجاه و پنج

بنده گمان می کنم که در این مسئله چون اهمیت ندارد ایراد باین موضوع هیچ مورد نخواهد داشت و لازم است که ما آنرا را طولانی نکنیم و زودتر باین ماده رای بدهیم

رئیس آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب بنده هم همین ایراد را که آقای حائری زاده کردند بنظر آمد و دفاع آقای مشاراعظم را هم بنده کافی میدانم بجهت اینکه اولاً این نمایندگان و مدیران برای این است که رأیشان منطبق داشته باشد و برای حفظ منافع ایران باشد

والا اگر در اقلیت بیفتد لازماً این را بایطاعت خواهد بود

وقتی بنا شد کم شود فایده ندارد و منافع دولت ایران حفظ نخواهد شد بدیهی است یک صدی بیست که باید از منافع دولت ایران بدهند و یک صدی سی هم که ما حق داریم بخیریم بنده عقیده دارم و همینطور هم پیشنهاد کردم که بهمان اندازه که از آن صدی سی می خیریم دولت حق داشته باشد که بنده نمایندگان هیئت مدیره خودش بفرزاید و بنابر این خمس مدیران ببقیه بنده کافی نیست و پیشنهاد هم همین طور داده ام و اگر توضیحی مجدداً لازم شد میدهم

(یعنی گفتند مذاکرات کافی است)

مغیر بنده می خواهم یک توضیحی بدهم که مطلب روشن باشد

برای اینکه آقای مشاراعظم در توضیحاتی که دادند یک قدری مطلب را روشن نکردند صدی سی از سهام حق میدهد همین طور که در ماده هم ذکر کرده مطابق اصول تمام شرکتهای دنیا که این صاحبان سهام در مجامع عمومی حاضر شوند

مجمع عمومی غیر از هیئت مدیره است

هیئت مدیره از مجمع عمومی معلوم می شود و در آنجا اجازه بیکه صاحبان سهام میدهد این است که آنجا رای باقیست و اکثریت است بعضی اگر صدی سی سهام را بدولت و اتباع ایران بخیرند و حقا مطابق اصول معول خواهند عمل کنند باید در مجمع عمومی معادل صدی سی رای داشته باشند را در این هیئت مدیره یک نماینده هم بایستی از سهام پیدا کنیم

ما آمده ایم اینجا یک کاری کردیم که خود آقای حائری زاده شاهدند که فوق العاده نفع ایران بوده و خیلی هم زحمت کشیدیم

یعنی در مقابل صدی بیست حق دولت آنها خواستند یک خمس از هیئت مدیره را بیا بدهند ما آمدیم و گفتیم که خیر اگر صدی سی را خریدیم هم از اینکه در مجمع عمومی اکثریت داشته باشیم یا نداشته باشیم تنها صدی سی بباحق رای میدهند آنها قبول کرده اند حالا اگر ما بخوایم آنرا را هم بفرزاییم یعنی بیست تا و یکجا بگیریم و سی تا را هم یکجا بگیریم عرض کردیم که حقا معمول نیست و یک کسی که هفتاد را خرج میکند

بول می گذارد زحمت می کشد هیچ وقت قبول نمی کند که در هیئت مدیره ما اکثریت داشته باشیم

معلوم نیست که اکثریت داشتن آنها برای ما مفید باشد برای اینکه همانطوریکه همانطوریکه آنها حفظ منافع خودشان را می کنند در ضمن حفظ منافع ما را هم

خواهند کرد و باز هم معلوم نیست که اکثریت داشتن مادر این قضایای فنی برای حفظ منافع خودمان کافی باشد و بهتر از آنها بکنیم

حائری زاده - اجازه بدهید توضیح بدهم چون فرایض بنده اشتباه شده است

رئیس - توضیح بدهید

حائری زاده - آن جائیم که بنده عرض کردم اکثریت آراء هیچ وقت با ما نمی شود بجهت اینکه عرض کردم از صدویست و پنج هم یک خمس هم که مال ما باشد صدی سی را هم ما خریداری کنیم این میشود پنجاه و پنج هفتاد او دارد پنجاه و پنج مسا داریم و مسا وجود این اکثریت با ما میشود

رئیس - این توضیح نبود

حائری زاده - اشتباه شده بود می خواستم رفع اشتباه بشود

رئیس - این ساده فرائت می شود از برای اینکه از لفظ توضیح سوء استفاده نکنید

(ماده صغیر نه نظامنامه داخلی بشرح ذیل قرائت شد)

ماده صدونهم - اگر در ضمن مباحثات و تعلق اقرا و تهمتی یکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او برخلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تبرئه و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد

حائری زاده - اجازه بفرمائید

رئیس - توضیح دیگری دارید؟

حائری زاده - خیر می خواهم عرض کنم مطابق همین ماده بنده توضیح دارم چون اشتباه شده بود خواستم رفع اشتباه بکنم

ایشان میخواستند بیان کنند که باین طریقی که تو گفتی اکثریت با ایران میشود بنده خواستم عرض کنم در این صورت هم که من بیان کردم اکثریت با ایران میشود رفع اشتباه کردم

رئیس - نه آقایان توضیح نبود پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهادی کنم که در صورتیکه هر اندازه از صدی سی که اتباع ایرانی حق دارند بخیرند و بخرند بهمان اندازه حق وسی تا را هم یکجا بگیریم عرض کردیم که حقا معمول نیست و یک کسی که هفتاد را خرج میکند

بول می گذارد زحمت می کشد هیچ وقت قبول نمی کند که در هیئت مدیره ما اکثریت داشته باشیم

معلوم نیست که اکثریت داشتن آنها برای ما مفید باشد برای اینکه همانطوریکه همانطوریکه آنها حفظ منافع خودشان را می کنند در ضمن حفظ منافع ما را هم

اگر دارند که پیشنهاد بنده مورد ندارد

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مغیر - واگذار بنظر مجلس است

کمیسیون نمیتواند موافقت کند

رئیس - رای میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمائید (صده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رای گرفته می شود بنده باز درهم آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس تصویب شد

ماده ۱۶

شرح ذیل خوانده شد

دولت هر مقدار در اراضی بازرگانه متعلق بخودش باشد و مهندسین صاحب امتیاز بهر اسم و رخم برای عملیات لازم بدانند و طرف احتیاج این امتیاز باشد مجاناً بلاعوض واگذار خواهد نمود مشروط بر اینکه اراضی مزبور برای ساختن آبپاشی دولتی اختیار شده باشند

اما راجع باراضی دایر متعلق بدولت صاحب امتیاز حق خواهد داشت آنها را خریداری نموده

با قیمت عادله معلی اجاره نماید و همچنین صاحب امتیاز حق خواهد داشت سایر اراضی وابسته که متعلق بپیر اهم افراد باهشتها باشد براضی طرفین خریداری یا برای تمام مدت امتیاز اجاره نماید در صورت بروز اختلاف بین مالک اراضی و صاحب امتیاز دولت با رعایت خصوصیات معلی نخواهد گذاشت که در فروش یا اجاره اجحاف شود بدیهی است

مساجد قبرستانها و زیارتگاهها و سایر امکنه متبرکه که متعلقات آنها تا فاصله دوپست و پنجاه ذرع از هر طرف از مفاد این امتیاز خارج است

مشروط بر اینکه در این اراضی اشخاص دیگری استخراج نفت و سایر مواد مذکور فوق را نمایند

نسبت باراضی وقف دولت مساعدت های لازم خواهد کرد

در صورتیکه مقتضیات اجازه بنده بطور اجازه تصاحب کند امتیاز واگذار شود صاحب امتیاز قبول میکند که از تاریخ تصویب این امتیاز در مجلس شورای ملی هر یک از اتباع ایران از جاهای و چشمهای نفعی حقیقتاً تحصیل نفعی می نموده اند که مستقیماً از آن جاهای و چشمها و باغیر مستقیم

از صاحب امتیاز به میزان آن مقدار نفعی که در تاریخ مذکور از جاهای و چشمهای مزبوره استفاده میکردند تحصیل نمایند اما در صورتیکه اختلافی دست دهد کسی نخواهد زاید بر آنچه ذکر شد استخراج نفع کند دولت از صاحب امتیاز دفاع خواهد کرد

وزیر مالیه يك توضیحی دارم اینچاپک جمله هست

بارعایت خصوصیات معلی

بصورت میکنم در موقع طبع راپرت کمیسیون اشتباه شده است بواسطه اینکه این مسئله در کمیسیون مذاکره شد و وزیر امور خارجه یا نماینده کمیانی مقارن کردیم

بارعایت خصوصیات معلی

را قبول کرد و گفت همیشه باعث تولید اشکالات خواهد شد

از جانب دولت تقاضا میکنم این عبارت حذف شود

دست غیب اشکال بیشتر شد

مغیر - علت اینکه در راپرت مانده است این بوده است که فرض مبشده است توافق نظر دولت حاصل است البته حالا اگر دولت اظهار عدم توافق نظر میکند

اگر چه بکمیسیون مراجعه نکردم ولی تصور می کنم کمیسیون مضایقه از حذف نداشته باشد

رئیس - اول باید فهمید عقیده کمیسیون چیست چون راپرت کمیسیون مطرح است

مغیر - اجازه بفرمائید

در نفس نظر آقایان اعضاء کمیسیون را در این باب انتقاد می کنم و بعد عرض می کنم

رئیس - مخالفی نیست در این باب (جمعی گفتند خیر)

رئیس - ماده ۱۷ (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۱۷ - کلیه اراضی که بصاحب امتیاز واگذار میشود یا صاحب امتیاز خریداری نمایند تمام مابینک صاحب امتیاز اتومبیل اینهمه ملزومات اتانیه ماشین لوازم و غیره هر چیز دیگری که بموجب این امتیاز استعمال شده یا برای استعمال تهیه شده باشد

همچنین تمام مواد حاصله تصفیه شده در موقع صدور از مملکت و با اینکه برای صدور ذخیره شده باشد

در تمام مدت امتیاز از ادای حقوق گمرکی و مالیات و سایر عوارض معاف خواهد بود

این معافیت شامل کلیه مالیاتها و عوارضی است که بر اراضی و اموال غیر منقول و معادن و میناء و سرمایه و عایدات و حقوق صادره و وارده و هر گونه مالیاتها و عوارض بهر اسم و رسم که متعلقا بر قرار است

و با در آتیه بتوسط دولت یا مقامات دیگر اهم از ایالتی و ولایتی و بلدی و محلی و غیره خواه ثابت خواه موقت باشد باستثنای عوارضی که برای مواد نفعی مصروفه در داخله ایران از طرف دولت برقرار شود چنانچه در ماده پازده قسمت

(ه) پیش بینی شده و همچنین عوارض راه مأخوذه از وسایل نقلیه که برای حمل مواد نفتی صاحب امتیاز بکار برده شود مطابق تبصره (۱) ماده ۱۸ بلاوه مخصوصاً مقرر است که صاحب امتیاز حق خواهد داشت آزادانه و با معافیت کامل از تأدیبه حقوق گمرکی و مالیاتها کلیه مصالح و مواد اولیه و ملزومات و اتانیه و ماشین آلات و ملبوس و خوراکی و سایر ملزومات که مربوط و مخصوص بمملیات این امتیاز باشد و با اینکه صاحب امتیاز آوردن آنها را در ایران برای عمل آوردن و حمل و نقل و ساختن و توزیع و فروش مواد با متفرعات آنها که در این امتیاز پیش بینی شده است لازم بدانند

ولی اشیاء شخصی و مواد غذایی که مستقیماً برای مصارف شخصی اجزاء کمیانیها یا شرکتهای فرعی آنها خریداری شود و مخصوصاً در فوق مذکور نشده باشد از این معافیت مستثنی میباشد

این معافیت از ادای حقوق گمرکی و واردات که در این ماده پیش بینی شده است کمیانیها و شرکتهای فرعی و اجزاء آنها را از اجزاء ترخیص قانونی که در باره واردات با ایران و صادرات از ایران معمول است مثل دادن اظهارنامه رسیدگی و تقبیش گمرکی معاف نخواهد داشت

رئیس - آقای مشاراعظم (اجازه)

مشاراعظم - البته صاحب امتیاز که محتاج بعمل و نقل اشیاء هست بایستی رعایت کرده که باو عوارض تحصیل نشود چون این عوارض خیلی زیاد است و ممکن است کمیانی از هدهه تأدیبه آن بر نیاید و در هر صورت اگر نباشد این عوارض را باو تحمیل بکنیم ممکن است یک نوع مغایرتی برای کمیانی باشد و کمیانی آنها را در حساب خودمان محسوب بدارد بنابراین لازم بوده است که رعایت بشود و در این قسمت حرفی نیست ولی درمو شوع این قسمت شرح ماده (صاحب امتیاز حق خواهد داشت آزادانه و با معافیت کامل از تأدیبه حقوق گمرکی و مالیات یا کلیه مصالح و مواد اولیه و ملزومات و اتانیه و ماشین آلات و ملبوس و خوراکی و سایر ملزومات که مربوط و مخصوص بمملیات این امتیاز باشد) در این قسمت ملبوس و خوراکی بنده ملتفت نشدم که مقصود کمیانی چیست اگر خوراکی است که در مملکت ما هم پیدا میشود ملبوس را هم همینجا ممکن است تهیه کرد و بنابراین ذکر اینکه ملبوس و خوراکی باید معاف باشد هیچ منافعت ندارد

در مسئله حقوق گمرکی ممکن است معاف باشد گرچه خودش هم در آن قسمت باینین برای کمیانیهای فرعی ذکر کرده

است که ملبوس و خوراکی که برای آنها تهیه بشود استثناء است و آنها بایستی مالیات را بدهند

ولی آن قسمتی را که ابتداء ذکر کرده است با آن قسمتی که در انتهاست خیلی فرق دارد

یعنی آن قسمت را مربوط بکمیانی فرعی کرده

ولی راجع بخودش نوشته که ملبوس و خوراکی هم از حقوق گمرکی باید معاف باشد

بنابراین بنده عقیده ام اینست که این قسمت ملبوس و خوراکی از اینجا حذف شود

در قسمت ماشین آلات و مواد ممکن است گمرک نگرفت ولی در خوراکی و ملبوس نگرفتن گمرک هیچ ضرورت ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - مخالفم

رئیس - آقای داود (اجازه)

داود - مخالفم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب مخالفند؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بلی مخالفم

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - مخالفم

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - در این قسمت که آقای مشاراعظم فرمودند در کمیسیون مذاکره شد مقصود از ملبوس و خوراکی که نوشته شده است چیزهایی است که برای مصارف خود کمیانی لازم میشود والا در قسمت اخیرش نوشته شده است ملبوس و خوراکی که برای اجزاء یا اشخاصی که در اول مستخدمند لازم باشد معافیت ندارد و باید گمرک را بدهند و ایشان که گمان میکنم نظرشان این بوده که آنچه را که برای اجزاء لازم باشد از گمرک معاف نباشد و با آن قبندی که در آخر ماده شده گمان میکنم نظر ایشان تأمین شده باشد

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - عرض ندارم

رئیس - آقای دست غیب

دست غیب - ماده از بی مفصل است جزء بجز عبارت را باید خواند و ایرادات را ذکر کرد کرد اول مابینک یعنی (تمام مابینک صاحب امتیاز) اینجا معنی ندارد اگر چه در یکی از مواد نوشته شده است که وقتی که این امتیاز ملغی شد یا نسخ شد تمام این اتانیه بر میگردد به دولت ایران

موض و ا گذار خواهد نمود
دند و بالاخره اظهار کردند که
دامنه این اراضی بجهت کشیده
ند که آبایشان عرض میکنند زاید
بخواهد بود از دنیا که تجاوز
سهل است از محیط این
هم تجاوز نخواهد کرد...
غیب - همین چهارایالت؟
خیر توجه نفرمائید یک دلیل
که تصریح شده در این امتیازنامه
اراضی که صاحب امتیاز انتخاب
عملیات پیش ازصدی یا زده
مات چهار گانه نخواهد بود
محدود کرده است.
را که دو یکسان صاحب امتیاز
ند کرد مجموعاً اراضی که لازم
کند یا سایر مؤسساتی که لازم
زصدی یا زده اراضی قطعه
باشد پس اینجا یک خط در
نکه بعد از هر اسام و رسم که
له کوچک می آمد از همین
آنها طرف توجه قرار ندادند
چه میکردند اینقدر بیعت لازم
که میگوید...
م در رسم برای عملیات لازم
طرف احتیاج این امتیاز
بی - مشخص خودش است.
ه غیر طرف احتیاج این امتیاز
نوش هم نیست برای اینکه
دو طرف دارد یک طرف
یک طرف او بنا بر این شخص
دوات در اینجا ذی حق است
ب - خیر
احتمالاً بینا لاتین که ندیکتیم
نستم شما همه حرفهای نان
هم شما گوش بعید من
ا اگر بدون مدرک و دلیل
ع صاحب امتیاز خواست یک
ب بکنند طبعاً چون دولت
بگوید خیر و از همه اینها می
باید چه اهمیت دارد از اراضی
میخواهد انتخاب میکند اعم
ش از صد یا زده نیست...
رط هم دارد
که دولت محتاج نباشد
لی و بعد یک شرط دارد
اراضی مزبوره برای ساختن
تیار نشده باشد.
چون اصل صد یا زده را
بگر این اشکال و این اعتراض
نست دیگر یک فرض عجیبی
ت اگر در اثر فرض و اصل

بشویم هزارتا از این فرش ها بکنیم
یک مالکت هزار ذریه یک چاه نفت است
بند معیطی را که انتخاب خواهد کرد
باصد ذریه است یا صد ذریه دیگر چه میشود
در همین جا ممکن است چاه فرض بیشتر
کرد
چرا در وسط باشد. شاید در این
گوشه باشد. در آن گوشه باشد. در
اینطرف. در آنطرف. در جهات سته
در جهات اصلیه. در جهات فرعیه. چه برای یک
فرض؟ علاوه جناب عالی خوب بود اولاً
و بر حسب اینکه اطلاع نمی داشتید قدری
تحقیق میکردید از نقشهها یا از وضعیت
چاههای نفت.
ممكن نیست فقط یا صد ذریه را
صاحب امتیاز برای چاه نفت لازم داشته
باشد.
برای اینکه چاههای نفت محیط خیلی
بزرگتر از این لازم دارد و قتی که از اهل خیره
و اشخاصی که در جاهای سمت جنوب بوده اند
تحقیق بکنید این قسمت را تصدیق خواهند
کرد که هزار ذریه و دو هزار ذریه هم بیشتر
لازم دارد بلکه بفرسوخ لازم دارد برای
آن محیط آن چاه دلیلش این است که
از مقدار مسافت خیلی بعیدی حتی امکان
نمی گذارند اشخاص بچاه نزدیک بشوند.
آنها هم یک احتیاطاتی دارند.
محیط دو هزار ذریه بکلی مورد ندارد
و اما قسمتهائی که راجع بموقوفات فرمودند
همانطور که آقای مدرس اظهار کردند
تصور میکنم محتاج بتوضیح زیاد
نباشد.
معنی مساعدتهای لازمه این نیست که
متولی را مجبور بکنند آنچه هم راهشان
است اگر خدای نکرده متولی نتواند
مساعده کند مساعدت لازمه خواهد کرد
مساعده لازمه یعنی بهایمراجه میکنند.
در صورتی که متولی بخواهد انصرافی پیدا
بکند.
بچهار نفر علمای درجه اول که در آن
محل هستند دولت مراجعه می کند و سؤال
میکند.
در این انکار و مخالفتی که متولی میکند
آیا ذی حقست یا نه؟ مقصود این نوع
مساعده است که دولت باید بکند و مقصود
از مقتضات مشروعیت و اما مسئله سلب
مالکیت و تسلط مالکین که این جاهی گفته
میشود برخلاف اصول مقرر است و بالاخره
موجب القاء مالکیت خصوصی میشود
اینطور نیست و تصور نمی کنم ما که اینجا
هستیم بلکه تمام نقاط هستند پیر و هر عقیده
هم که باشند علاوه بر مسلمین معتقد باین
اصل باشند که سلب تسلط مالک از ملکش
بدون مدرک و مجوز قانونی صحیح باشد.
ما همه مسلمانیم و اطلاع از قوانین اسلامی
داریم کم یا زیاد و از عصری عدم نیامده ایم
و از سولقان هم باصلاح موقوف نیامده ایم
و قانون اساسی را هم میخوانیم و تاسدی
دادند و همه را متقاعد کردند.

هم می فهمیم اطلاع از مدارک اسلامی هم
داریم.
بنا بر این حدی که اینجا رعایت
شده است صدمه بمالکیت خصوصی نمیزند
و این مسئله.
الناس مسلطون علی اموالهم.
که این قدر حربه میشود...
دست غیب - کسی کسی این عبارت را
گفت.
تدین - چرا میگویند تسلط معنیاش
هین است.
خود آقایان که متمسک باین حربه
میشوند. حتی آقای حاج میرزا
عبدالوهاب و آقای دست غیب تصدیق
خواهند کرد که این حکم بر عموم خودش
باقی نیست شرعاً آنقدر استثناء دارد که
بالاخره شامل یک مورد مخصوصی میشود
مثلاً.
الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم.
صحیح است بنده شخصاً یک قسمتی
از اموال مردم را خورده ام طرف رفته
است عدلیه عارض شده محکوم شدم می
خواهند از دارائی من بگیرند بنده میگویم
الناس مسلطون علی اموالهم - نمیخواهم
بدمم بلکه هیچ متعلق ندارم...
شرعیتمدار دامنهائی - در حدود قوانین
اسلام.
تدین - پس محدود است. پس یا بنده
موافق هستم که این بمووم خودش باقی
نیست و محدود هست بهمان مواردی که در
شرع تعیین شده.
مثلاً در موضوع احتکار از اراق عمومی
ارزاق عمومی را یک یا چند نفر احتکار
بکنند که موجب عسرت و ضیق بمیت مردم
شود یا این شرط و قید بطوریکه
بخوان گفت قسطی شده است و مردم از گرسنگی
میریند.
حالا مالک میگوید که یک خرور گندم
فزار تومان.
اینطور نیست پس این جا از نقطه نظر
حفظه نافع عمومی در شرع مخصوصاً تکلیفش
معین شده است تسمیرش میکنند اجبارش
می کنند...
حاج میرزا عبدالوهاب - تسمیر
نیست.
تدین - چرا نیست. بلیسر و پیشتر
عبارت متن لعمریه است بروید ببینید ندارید
بیادرم نشان بدهم...
(همه بین نمایندگان)
تدین - اجازه بدهید. علی ای حال بنده
نمیخواهم داخل در این قضیه و وارد در
مسائل شرعیه بشوم.
اگر بخواهم وارد شوم البته اطلاع
دارم و فقط وارد میشوم در آن قسمتی که
کمان می کنم آقای مخبر اشاره فرمودند
و مخصوصاً خاطر مهربست که در دوره چهارم
آقای مدرس در این باب توضیحات کافی
دادند و همه را متقاعد کردند.

و بالاخره دیگر بنده در این موضوع
تنبخواهم زیاد طول بدمم اگر بخواهیم
مباحثه کنیم جایش بیرون است این جایست
بنابراین در این قسمت اول که تراضی طرفین
باشد هیچ اعتراضی نیست.
در قسمت بعد هم همانطور که تشخیص
داده شد امر دائر بین یکی از دو صورت
است یا استخراج نفت یا رعایت میل
مالک.
استخراج فقط اگر بخواهد بشود
از نقطه نظر اینکه شامل منافع عمومی
است باید قدری تعدیل در میل مالک بشود
آن تعدیل در مرحله اول تراضی طرفین است
که هیچوقت اسقاط حق مالکیت
نمی کند.
ولی اگر اختلافی پیدا شده و مالکی
خواست آنطور که آنگاه گفتند حسن ظن
داریم باینکه تمام افراد اینطور خواهند بود
حسن ظن برای عمل مدرک نیست و موقع
تشخیص منافع است و تمام اشخاص و افراد
ذینفع را هم نمیشود مجبور کرد که تو بیا
اخلاقاً رعایت منافع عموم را بکن میگوید
خیر رعایت این اخلاق را نمیکنم.
بنابراین ملک را که امروز تشخیص
داده شده است فقط دارد بفلان مبلغ میبیم
میل داری بخر میل نداری نظر این جا اگر ما
باعتدیل قائل نشویم لازمه رعایت میل مالک
این است که فقط استخراج نشود
این بود که ما گفتیم با رعایت نرخ عادلانه
وقت و این در صورتی است که بین مالک و
صاحب امتیاز اختلاف پیدا شود اختلاف هم
پیدا است که از لحاظ زیاد روی است
بنابراین این جا میباید و می گویند نرخ
عادل وقت را رعایت کند و رفع
مذاکره و مشاخره و منازعه شود این را
برای چه گفتند؟
برای این گفتند که مدرک حکمیت دولت
باشد.
آن رعایت خصوصیات محلی هم که
سابق بود برای مدرک حکمیت دولت بود
دولت میخواهد بین کسان و صاحب ملک
حکمیت کند یا به از روی یک اصلی حکمیت
بکند این جا آن اصل را قید کرده اند سابق
رعایت خصوصیات محلی بود یعنی اگر دولت
بخواهد رفع منازعه کند باید خصوصیات
محلی را مآخذ حکمیت خودش قرار بدهد
حالا عوض رعایت خصوصیات محلی رعایت
نرخ عادلانه وقت است.
این مأخذ مدرک از برای حکمیت و
حکومت دولت است نه چیز دیگر و نرخ
عادل وقت بعقیده بنده نافع تر و کافی تر و
واقعی تر است برای مالکین تا رعایت خصوصیات
محلی برای اینکه امروز که کسانیا صاحب
امتیاز صد یا زده از هر ولایت را انتخاب
می کنند.
البته آقایان تصدیق دارند که همه
زمینها را برای حفر چاه اختصاص نخواهند داد

بدست کسی
دوات باقی می شود به
آقای مجلس پیش
است. هم گیر آن
رئیس که نوشته شده
مشار کسبیون
رئیس مستقرات
ت در آن
اخگر نه عادل قبل
که در این ترتیب عقیده
مخطوط لولفسکی ۲ را
شاک ایران است باشد چه
برای تنبلی باشد که
یا مواد استت باشد باو
۱۹۰۱
گمان میکند بینه نهاد
صورتیکه می دانند
شود.
رئیس ()
مشار ا داده شده طبع
درست تو
نقطه نظر فنی یک پیشنهادی
ترتیب شده
نقاصی که لاز
در چهار ایامه
میرمیرند که هشتم مطرح
نقاست
باید از لوله برایش هنوز
برسانند و بنا
حایر مصارف
آقای حاج
فرمودند اش
بنده که
برای اینکه آقایان هست
بهر از ایراد اتلاف وقت
برقش بیشتر
تیرهای ت
و شیروانی ر
امریکا
شما بعد
باید که این
و اشیائی را
داشته باشد
از خواهد بود.
پس این گان
که گمانی فر
مکبران ماده
و در تحت این
و بنده بنده که حالا هجده
وارد نخواهد
مذاکراتی بک
بلی یک اول
بنظر بنده
را بان معطوف بدوات و گذار
آخر نوشته (در ارجاع نصب شده و
این موضوع بعل کند بعقیده بنده
قطع اختلاف داده شود آنوقت
(با رعایت منافع منقول است و می
است. و اگر این امتیاز
شود تمام اختیارات

برای اینکه در ظرف شش سال دوچاه میباید
حفر کند و بعد از آنهم هر دو سال یک چاه
جدید حفر کند.
این می شود در آن چهار سال
که باقی می ماند بیست و دو چاه دوچاه هم در
شش سال اول این بیست و چهار چاه حداقل
بیست و چهار چاه را که تماماً معلوم نیست در
یک قطعه از صد یا زده حفر بکنند در تمام
قسمت ها حفر خواهد کرد و تمام این صد
یا زده را هم که نمی تواند چاه بکنند سایر
مؤسسات هم لازم دارند زمین میخواهد کارخانه
می خواهد.
چیزهای دیگری خواهد بنا بر این وقتی
که تشخیص داده شد در این زمین نقاط است
او می خواهد برای استخراج نفت خریداری
کند تا آن زمینی که می خواهد انبار بسازد
نرخ عادلانه فرق می کند برای اینکه
طبعاً این اختلاف پیش می آید که زمینی که
در آنجا تشخیص داده شد نفت دارد قیمت عادلانه اش
چه چیز است!
این را مقایسه نمی کنند با آن اراضی
که برای تأسیسات دیگر میخواهند و وقتی
که معلوم شد این جا نفت است قیمت عادلانه اش
مقایسه میشود نسبت بآن زمینی که فقط دارد
نعمت بسیار زمین ها.
بنابراین این عبارت که نرخ عادلانه وقت
باشد عقیده بنده نعم است مجال مالکین تا آن
عبارت اول خصوصیات محلی و همانطور که
عرض کردم این مدرک است برای حکمیت
و حکومت دولت های وقت که هر وقت منازعه
شد از روی این اصل نرخ عادلانه آن وقت و
آن روز را در نظر بگیرند.
بالاخره بین مالک و صاحب امتیاز
را صلح بدهند آنهم بطوریکه اجحاف
نشود.
بنابراین تصور می کنم هیچ معظوری
ندارد.
(جمعی از نمایندگان - مذاکرات
کافی است)
(مدعی دیگر - خیر کافی نیست)
رئیس - رای می گیریم آقایان بیکه
مذاکرات را کافی می دانند بقیه میمانند.
رئیس - اکثریت است. پیشنهاد
آقای حاج میرزا عبدالوهاب قرائت
می شود.
(شرح آتی خوانده شد)
چون یک ساعت از ظهر میگذرد و هوا
خیلی گرم است و این ماده خیلی مهم
است و باید موافق و مخالف صحبت کنند
تازه حل پیدا شود لذا پیشنهاد میکنم جلسه
ختم و بقیه مذاکرات برای برای جلسه
بعد بماند.
(از طرف نمایندگان صبح است)
رئیس - پیشنهاد مخالفی دارد
یا خیر؟
آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.
چون که این پیشنهاد برخلاف رأی است

که ما الان دادیم که مذاکرات نسبت
باده کافی است و ایشان نوشته اند که
مذاکره در این ماده بماند
برای جلسه آتی تا مخالف موافق
صحبت بکنند پس لائیل پیشنهاد میکنند
که مذاکرات نسبت بپیشنهاد هائی که
تقدیم شده بماند برای جلسه دیگر و از
جهت این که این پیشنهاد مخالف بارائی
که فعلاً داده ایم بنده مخالفم.
رئیس رای میگیریم بپیشنهاد آقای
حاج میرزا عبدالوهاب
در ماده کافی شده است؟ مذاکرات
رئیس بلی
حاج میرزا عبدالوهاب - خوب پس
بنده راجع بان قسمت ختم جلسه اش فقط
پیشنهاد می کنم و راجع بان قسمت که
مذاکرات موافق و مخالف بماند برای جلسه
بعد پس میگیرم و پیشنهاد میکنم که
مذاکره در پیشنهادها بماند.
رئیس ماهم بعین می خواستیم رای
بگیریم. رای میگیریم بپیشنهاد...
مدرس مخالف ندارد؟
آقا سید یعقوب بنده مخالف بودم
رئیس - چون ایشان مخالفت کردند
باید رای گرفته شود آقایانی که تصویب
می کنند قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس تصویب شد
وزیر مالیه - گویا در اظهاراتی که
بنده در موضوع بودجه برج سلطان کردم
سوء تفاهمی برای دفتر از آقایان
نمایندگان شده است و آن لفظ تکذیب
بود مقصود بنده تردید بود و قصد توهینی
نسبت بدو نماند محترم نداشتم.
رئیس آقای ارباب کبیسرو
(اجازه)
ارباب کبیسرو - در دستور عرض داشتم
بعد که معین فرمودید عرض می کنم
رئیس آقای رئیسالتجار
(اجازه)
رئیسالتجار لایحه وزارت مالیه تقدیم
مجلس کرد که بکمسیون فواین مالیه
رفت راجع بیوست بره که چند روز است
رپورترش طبع شده دو سال است مانده است
تمام تجاری که بیوست دارند منتظر تصویب
این لایحه اند
رئیس جلسه آتی و وزیر کشنه چهار
ساعت قبل از ظهر دستور هم لایحه نفت بند
لایحه بیوست بره.
آقای ارباب کبیسرو
(اجازه)
ارباب کبیسرو - در چندی قبل این
جا پیشنهادی شد راجع حقوق صاحب
مصنبان نظامی یک قسمتش گذشت ولی یک
قسمتش تصویب نشده و همین طور مانده
است در صورتیکه حقوق سایر ادارات تصویب
میشود خوب است تکلیف یک همه دیگر

از اشخاص هم که منتظر هستند معین
شود.
بنابراین بنده تقاضا می کنم راپورت
کمسیون بودجه راجع بان مسئله جزء
دستور جلسه آتی معین شود.
رئیس لایحه دولت راجع بودجه
سرطان مطرح است آن را هم جزء
دستور می گذاریم
آقای داور
(اجازه)
داور بنده یکی راجع بان مسئله که
فرمودید می خواستم مذاکره کنم یکی
هم اینکه از طرف وزارت داخله سؤالی
از مجلس شد و تفسیری تقاضا شده بود
راجع با کثرت بیعت نظار چون الان
محل ابتلاء است و یکی از محل های
انتخابیه محتاج باین مسئله شده اند و
کمسیون هم نظر خودش را اظهار کرده
است تقاضای کنم جزء دستور شود چون
چیز مفصلی هم نیست.
رئیس آقای نظام الملک
(اجازه)
نظم الملک - بنده راجع بودجه - سرطان
می خواستم عرض کنم که جزء دستور
شد.
(مجلس یک ساعت و بیست دقیقه از ظهر
گذشته ختم شد)
م - شهاب
رئیس مجلس شورای ملی
مؤتمن الملک
معلم السلطان
جلسه ۴۴
صورت مشروح
مجلس سوم یکشنبه غره
محرم ۱۳۴۳
مطابق دوازدهم
اسد ۱۳۰۳
(مجلس ساعت قبل از ظهر
بریاست آقای مؤتمن الملک
تشکیل گردید)
سورب مجلس سوم پنجشنبه
نهم اسد را آقای آقا میرزا شهاب الدین
قرائت نمودند
رئیس آقای حائری زاده
(اجازه)
حائری زاده - در آن پیشنهاد بنده که
چهل هزار تومان نوشته بود بنده تصریحاً
عرض نکردم بودم ۴۰۰۰۰ تومان نوشته
بودم لائیل چهل هزار تومان
رئیس - لائیل اضافه میشود دیگر
ایرادی نیست
آقای عباد السلطنه
(اجازه)
عباد السلطنه - بنده در تصویب صورت
مجلس عرضی دارم.
رئیس - بفرمایید
عباد السلطنه - بعد از آنکه کمسیون

تجدید نظر در قانون انتخابات
چندی قبل از افشاهان نوشته
مأمورینی از طرف حکومت
لوکات بر نود روز آنها استلام
راجع بانتخابات دوره پنجم
دارند چون از وزارت دا
سکر دارند یا یستی بگویند
داده شود
بنده خیال کردم این
فهمیده اند
چون کمسیون بوسیله
یک اطلاعاتی از انتخابات دو
سوم خواسته بود گمان میکنم
نشده باشد مقصود این است
قبل تلگرافی از اردستان بکنند
انه این جا از ما سؤال میکنند
انتخابات دوره پنجم اگر ش
شکایت خودتان را اظهار کنید
خواسته اند بنده این تلگراف
وزارت داخله و بازمه خیال
شاید این حرف را آنها زده اند
ولی در روز یک تلک
و در جریان هم حتی بعنوان تجدید
کرده اند اینطور میباید
تجدید بانتخابات و ایرت
حاکمی است نایب الحکومه
مرکز برای تجدید نظر در
پنجم آقایان مله و اهالی و
دموت و اهالی هم در توابع و
داده که برای روز جمعه
انتخابات بارستان حضور
تلگرافی که بنده میکنند
از اردستان فرستادند تا یست
دمک ریگستان و فیره
برداشت معقول مردم را
می آورند
بارستان که اگر از آن
دارند اظهار کنید که به
شود.
بنده می خواستم از
تجدید نظر در قانون انت
کنم چه دستوری بوزارت
موجب شده است این عملیات
شود.
رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)
حائری زاده - کمسیون
در قانون انتخابات برای
و شکایت هائی که از
می رسید که مارا از حق
کرده اند.
شبه انجمن نظارت
تشکیل شده دیدیم یک
جرائفائی نداریم که بان
وزارت داخله سؤال کردیم

بدفتر وزارت داخله تا باطل رسیده و نقاطی که تقاضای انجمن کرده اند و با آنها داده نشده آن نقاط را فهرست بفرستید تا وقتی که تجدید نظر در قانون انتخابات می کنیم ضمیمه جدول انتخابات بکنیم حالا وزارت داخله خواسته است اطلاعاتش را تکمیل کند .

مأمورین اینرا وسیله يك خیالات دیگری کرده اند و کارهای مملکتی را به این ترتیب میگذرانند مربوط بکسب و پون تجدید نظر در قانون انتخابات نیست و کمیسیون هیجوقت همچو تقاضای ازدولت نکرده بود

نجات مگر اعضاء کمیسیون جغرافیا نمیدانستند .

هماد السلطنه - پس در صورتی که مقصود کمیسیون این بوده است استدعا می کنم که مقصود خودشان را بهتر توضیح بدهند و بوزارت داخله نوشته شود که کمیسیون این بوده است

حائری زاده مأمورین سوء استاده میکنند .

رئیس - تذکر داده میشود پیشنهادهای ماده ۱۶ قرائت میشود

پیشنهاد آقای طهرانی (شرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد می کنم عبارت این طریق اصلاح شود

در صورت بروز اختلاف بین مالک اراضی و صاحب امتیاز بحکمت يك پانچ نفر مطابق (موافق قانون حکمت) مراجعه شود و رای حکم قطعی خواهد بود

رئیس - بفرمائید توضیح بدهید

آقا شیخ محمد علی طهرانی اصل مالکیت خصوصی گمان میکنم متفق علیه تمام مسلمین ایران باشد

بکنفر از نمایندگان تمام دنیا طهرانی ایران که گفت مقصود تمام دنیا بود

البته هر کس که مالک است حق تسلط به اموال خودش را دارد لیکن نظر ها و جنبه های عمومی گاهی از اوقات هم چنانکه قانون اساسی هم نوشته .

مخصوصاً يك ماده و اصل خاصی برای این موضوع وضع کرده و يك اصل خاصی در قانون اساسی هست در آن موافق که نفع عمومی اقتضا میکند که مالک بگویند .

بویاید جهت نفع عمومی صرف نظر از سلطه و تسلط در ملك خودت بکنی در آن موقع مالک موافق صلاح مملکت و موافق صلاح دیانت .

شود

مكلف است که جنبه عمومی را ملاحظه کند .

البته در صورتیکه تراضی بین طرفین باشد هیچ گفتگو نیست ولی اگر تراضی نشد در قانون مینویسد حکم دولت است حالا من کاری باین دولت حاضر و دولت های آینه دارم لیکن اغلب دیده شده که بکنفر مأموریت از برای ابتکار پیدا میکند دولت (بمأمور دولت) هیئت دولت هیجوقت خودش حکمت نمی کند بکنفر را مأمور میکند که مثلا در حدود خراسان یا گیلان یا آذربایجان یا مازندران حکمت کن و حکمت او هم قاطع است حالا ممکن است آن بکنفر حکمت کننده را که همه جامی رود و استخدام او هم امتداد دارد کیبانی تطبیح بکنند و در این صورت اغلب اجحاف میشود نسبت به مالکین این است که بنده پیشنهاد کردم اگر در مسئله قیمت بین کیبانی و مالکین اختلافی پیدا شد .

بکنفر کیبانی و بکنفر مالکین و يك نفر هم تراضی طرفین حکم مین کنند چون این جا دعوا است دعوا قضاوت لازم دارد و قضاوت را اگر ما منحصر بآب دولت بدهیم شاید افراد ایرانی بآن دولت اطمینان نداشته باشند لکن موضوع حکمت عنوان قرارداد می شود عنوان حکمت عنوان است مشروع يك نفر اینطرف معین میکند يك نفر آنطرف و بکنفر هم بالاتفاق و اگر در شخص ثالث اتفاق نشد بفرم مین میشود و هر طوری رای دادند آن رای قاطع است و هیچ کجا اتفاق نمی افتد که حکم در تمام ایالات بکنفر باشد در هر کجا از اهالی آن محل معین میکنند و همانطور که عرض کردم حکمهای معین شده کارها را قطع و فصل میکنند و دولت مجری حکم حکمها باید باشد نه قاضی و حاکم منتهی در حکم نامه فید میکنند که در با بیست روز باید حکمها حکم قطعی بدهند آن وقت دولت آنرا بموقع عمل بگذارد و الا اگر بخواهیم قضاوت مطلقه را با هیئت دولت قرار بدهیم هیجوقت هیئت دولت قضاوت نخواهد کرد يك مأمور خاصی معین میکند و معلوم هم نیست که مالکین بآن مأمور خاص اطمینان کامل پیدا کنند ولی وقتی خودشان حکم معین کردند هم از اینکه اجحاف نسبت بآنها بشود پشیمان نمی گردند .

آقا سید یعقوب بنده باخطار دارم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب بفرمائید عرض کنم مقام ریاست باخطار فرمائید مطلقاً راجع بتوضیحات چنانکه بکنفر هم عرض کردم آن ماده را اینجا آوران کنند که نصب المعین باشد .

رئیس - عقیده کمیسیون چیست

مغیر عنوط بنظر مجلس است

مدرس - بکنفر بفرمائید پیشنهاد خوانده شود

حائری زاده بنده هم يك پیشنهادی در همین زمینه کرده بودم

(پیشنهاد آقای آقا شیخ محمد علی طهرانی بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن این اصلاح آقابانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . بقیه پیشنهاد ها هم باماده مراجعه می شود بکمیسیون بکنفر از نمایندگان - خوب است پیشنهاد هام مطرح شود .

مغیر - به عرض این است که پیشنهادها قرائت شود آنها را که قابل توجه شد در کمیسیون مطرح شود آنها را بکنفر قابل توجه نشد بکنفر خارج شود باین ترتیب کار کمیسیون سهل تر خواهد بود

رئیس - پیشنهاد آقای وکیل الملك (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل ضمیمه ماده (۱۶) شود

تبصره - هر گاه توافق نظر در بین کیبانی و مالک راجع بفرش یا اجاره اراضی حاصل نشد و مالک خواست اراضی را در مقابل يك سهمی از منافع حاصله بکیبانی واگذار نماید

کیبانی و صاحب امتیاز در سال صدی سه از منافع حاصله از آن اراضی را بصاحب ملك خواهد داد

رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه)

وکیل الملك - اگر چه آقای مشار اعظم برروز توضیحات مفصلی راجع به این عرض بنده دادند ولی از آنطرف هم همانطور که آقای داور فرمودند نباید فشار بیآوریم

بنده از دو نقطه نظر این پیشنهاد را کردم یکی اینکه راه دیگری غیر از فروش پیدا کنیم و آن اینست که در صورتی که راجع بفرش توافق نظر بین کیبانی و صاحب ملك پیدا نشد

صاحب ملك ملکش را به کیبانی واگذار کند و کیبانی در مقابل صدی سه از منافع حاصله آن ملکان را بصاحبش بدهد و این ترتیب هیچ اشکالی برای کیبانی نخواهد داشت و اگر این ترتیب را آقای مغیر قبول کنند گمان میکنم نفع طرفین باشد .

يك نظریه دیگر بنده هم از این پیشنهاد این بود که ما معادن دیگری هم داریم و اگر فردا بخواهیم امتیاز آنها را بدهیم این ترتیب سابقه میشود و سایر کیبانیها که میخواهند امتیاز آن معادن را بگیرند می گویند دو امتیاز نفت شمال آنقدر هم اهمیت داشت با صاحبان املاک آنطور معامله کرده اند و از اصل منافع معادنی که

در املاک آنها بوده بآنها چیزی نداده اند ما هم چیزی نخواهیم داد و این سابقه خوبی نخواهد بود

پیش از اینهم توضیحی عرض نیکند مغیر - قبل از اینکه در پیشنهادی گرفته شود خواستم این مسئله توضیح شود که مقصود آقای وکیل الملك از این صد سه آیا علاوه بر صد بیست حق دولت است یا غیر از صد بیست درلست ؟

اگر مقصود از همان صد بیست دولت است که برای کیبانی و طرف مقابل فرقی نخواهد کرد .

و اگر مقصود علاوه بر صد بیست دولت است

خوب است آقابان که میخواهند رای کمیسیون مطرح شود آنها را بکنفر قابل توجه نشد بکنفر خارج شود باین ترتیب کار کمیسیون سهل تر خواهد بود

رئیس - پیشنهاد آقای وکیل الملك (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل ضمیمه ماده (۱۶) شود

تبصره - هر گاه توافق نظر در بین کیبانی و مالک حاصل نشد و مالک خواست اراضی را در مقابل يك سهمی از منافع حاصله بکیبانی واگذار نماید

کیبانی و صاحب امتیاز در سال صدی سه از منافع حاصله از آن اراضی را بصاحب ملك خواهد داد

رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه)

وکیل الملك - اگر چه آقای مشار اعظم برروز توضیحات مفصلی راجع به این عرض بنده دادند ولی از آنطرف هم همانطور که آقای داور فرمودند نباید فشار بیآوریم

بنده از دو نقطه نظر این پیشنهاد را کردم یکی اینکه راه دیگری غیر از فروش پیدا کنیم و آن اینست که در صورتی که راجع بفرش توافق نظر بین کیبانی و صاحب ملك پیدا نشد

صاحب ملك ملکش را به کیبانی واگذار کند و کیبانی در مقابل صدی سه از منافع حاصله آن ملکان را بصاحبش بدهد و این ترتیب هیچ اشکالی برای کیبانی نخواهد داشت و اگر این ترتیب را آقای مغیر قبول کنند گمان میکنم نفع طرفین باشد .

يك نظریه دیگر بنده هم از این پیشنهاد این بود که ما معادن دیگری هم داریم و اگر فردا بخواهیم امتیاز آنها را بدهیم این ترتیب سابقه میشود و سایر کیبانیها که میخواهند امتیاز آن معادن را بگیرند می گویند دو امتیاز نفت شمال آنقدر هم اهمیت داشت با صاحبان املاک آنطور معامله کرده اند و از اصل منافع معادنی که

رئیس - آقابانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمائید (جمعی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

در ضمن پیشنهاد آقای دست غیبی هم رد شد

دست غیبی - اگر بنده هم توضیحی داده بودم شاید قابل توجه میشد

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا یزدان خان قرائت میشود

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۶ در آخر سطر دهم به ما از کلمه «اجحاف شود» اضافه نمایند :

«هر گاه رضایت صاحب امتیاز و مالک اراضی حاصل نشود مطابق عایدات حق الارض مملکتی صدی بیست از مواد مستخرجه را صاحب امتیاز به مالک عاید دارد»

(خنده و همهمه بین نمایندگان)

آقا میرزا یزدان خان - مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای سالار لشکر قرائت میشود

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد مینماید که بعد از بروز اختلاف بین مالک اراضی و صاحب امتیاز اضافه شود :

دولت بحکمت چهار نفر از اهالی بصیر محلی که از طرف مالک معین میشود و چهار نفر هم که از طرف دولت معین خواهد شد قضیه اختلاف را حل و نرخ عادلانه وقت را که آن عده معین میکنند رفتار نموده و نیز اگر بواسطه تصرف يك اراضی معین صدمه بقسمت دیگر اراضی صاحب ملك وارد بدخسارات وارد هم معین و جبران می شود .

سالار لشکر - این پیشنهاد بنده تقریباً مطابق همان پیشنهادی است که آقای طهرانی فرمودند ولی در آخر آن بنده يك چند کلمه اضافه کرده ام و آن صدمه است که از يك زمینی بزمنهای دیگر وارد می آید .

در شمال ایران اغلب دهات کوچک است و مثل نفت جنوب نیست که مواجه باشد با يك اراضی زیاد لم بزور مثل عیادان و پشت کوه وغیره در قسمت شمال مثل مازندران یا در خراسان اغلب مالکین جزو هستند و هیچ حاصل ندارد و محل مرتفع حیوانات آن ده است و اتفاقاً اگر در این قبیل محل ها معدن نفتی پیدا شد و خواستند بقیمت عادلانه معین کنند خواهند گفت اینجا قیمتی ندارد معین چریدن حیوانات است در صورتیکه هیچ منطقی ندارد .

زیرا مسکن است بواسطه خارج شدن آن زمین از تصرف مالکین آن ده را مسلوب النفعه بکنند و باین ترتیب باید کیبانی جبران خسارت وارده بر آن ده ورعیت را بکنند مقصود بنده این است که جزء آخر این

پیشنهاد هم به پیشنهاد آقای طهرانی ضمیمه شود

مغیر - اگر مسئله حکمت قبول شود گمان می کنم این اشکال مرتفع شود برای اینکه حکمها این ملاحظه را خواهند کرد آقابانیکه نظر بحکمت دارند این مسئله را هم فرغ آن فرار دهند و اگر به غیر حکمت عقیده دارند آن امری است علیحده

رئیس - آقابانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای شیخ الرئیس

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بر قیمت عادلانه اضافه شود بامجوز شرعی

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - یا رسال هم که این ماده در کمیسیون فقط مطرح بود شاید آقای مدرس در خاطر داشته باشند که این ماده چه قسم نوشته شده بود و با اساس مالکیت صدمه وارد می آورد پس از مدتی مذاکره گویا خود آقای مدرس پیشنهادی بعنوان خصوصیات محلی فرمودند و آن يك عبارت بود که خیلی قابل تمیز و تاویل بود و بالاخره کمیسیون نرخ عادلانه را قبول کرد که عبارت بسیار خوب و بهتر از آن عبارت است نرخ عادلانه ظاهرش این است که بطور عمل رفتار شود ولی حالا باین پیشنهاد که آقای شریعتدار کردند که نرخ عادلانه مناسب مواد فقط نوشته شود در این طور معلوم می شود که از نرخ عادلانه زمین است که ده تومان یا بیست تومان ارزش دارد

مدرس - قیمت عادلانه وقت

شیخ الرئیس - البته نباید فراموش شود که هر قانونی مغالفت با شرع و مواظبت اساسی ما داشته باشد قانونیت ندارد و قابل اجرا نخواهد بود و در قانون اساسی صریح ماده پانزده و هفده است که اصول مالکیت را مینویسد در اصل مقدم مینویسد سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان بفره عنوان که باشد ممنوع است مگر بحکم قانون اصل پانزده هم مینویسد هیچ ملكی را از تصرف صاحب ملك نمی توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیبه قیمت عادلانه است این مسئله نرخ عادلانه اگر تصور بفرمائید دربر دارد مجوز شرعی را ضرر ندارد چون اینجا تصریح کرده معلوم می شود قانون گذار لازم میدانسته که مقصوداً اینجا تصریح کرده .

و اینکه بعضی از آقبان مثل آقای شریعتدار نظرشان این است که این اشکال است اگر مجوز شرعی در اینجا اضافه شود نظر ایشان همین می شود و البته در هر کجا حاکم شرع هست که تصدیق بکنند که حکم شرعی

است در ظرف پنج سال که بنا است بیست و چهارجاه سفر کنند با اراضی دائر هیچ ملكی مصادف نشود زیرا بقدری اراضی با ثمرم بزور هست که محتاج با مالک دائر شاید نبود ولی بهرحال در قانون باید تمام چیزها پیش پیش بشود و توافقی نداشته باشد به عقیده بنده اگر لفظ مجوز شرعی اضافه شود رفع اشکال خواهد شد .

رئیس - رای گرفته میشود کسانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای کازرونی قرائت میشود

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تمام مطوریکه بعد از (اجازه نماید) واقع شده الی آخر حذف شود

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - برای اینکه حتی الامکان متابعت از نظامنامه داخلی کرده خیلی مختصر عرض کرده باشم (ولی چون مختصر يك امر نسبی و اضافی است) عرض می کنم مایک اصل مسلمی داریم که تخطی از آن اصل مسلم برای مالکان ندارد و آن اصل مسلم را قانون اساسی تصریح میکند که هیچ ملكی را از دست مالکش نمیتوان خارج کرد مگر بامجوز شرعی .

اختیارات مجلس هم در دست قانون اساسی است حالا اگر چنانچه ما در اینجا بکن چیزی وارد کردیم يك اختیاراتی دولت داشت که توانست صاحب ملكی را مجبور بکند که ملك خودش را از دست بدهد این برخلاف صریح قانون اساسی است

در این ماده این مطوریکه بنده پیشنهاد کرده ام حذف شود مشق بر سه فقره است .

يكی اینکه اگر اختلافی قیام بین مالک و صاحب امتیاز در خرید و فروش یا اجاره حاصل شود دولت نگذارد اجحاف شود دوم راجع به موقوفه بود که در اینجا مینویسد اگر مقتضیات اجاره دهد بصاحب امتیاز اجازه داده شود .

كلمه مقتضیات را بنده مراجعه کردم بلفظ دهم هیچ معنایش موافقت نمیکند با اینها بنده مقتضیات یعنی زمان تاستان گریما سرما

باینکه آن زمینهایی که نفت از آنها استخراج میشود صاحب امتیاز بده تمام این ها را زائد میدانم و نظیرش هم در جنوب هست کیبانی نفت جنوب با صاحبان اراضی يك عملاتی دارد چنانکه آقابان هم مسوقند يك معامله هم راجع

يك قطعه با یکی از روسای مشایر فارس کرد و هم چنین با بختیاری و سایرین هم معامله دارد و جاهای نفت سیاه هم در شوش هست و بقدر لزوم خودشان استخراج میکنند نفت سفید هم در شوش هست و بقدر کفایت خودشان استخراج میکنند و سیاه هم ندارد که بیشتر استخراج کنند و اگر بخواهند لوله کشی کنند مطابق اختیار بکنند بصاحب امتیاز داده شده نمی تواند لوله بکشد .

پس در اینصورت نفت برای چه زیادتر استخراج کنند و هر چه در اینجا نوشته شود هر عبارتی که ما بگیریم در لایحه می آوریم و اینجا ایراد کنیم برخلاف صریح قانون اساسی است و اسباب زحمت و اشکال برای دولت خواهد شد .

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقای آقابانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای حائری زاده قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

حائری زاده پیشنهاد میکنم در صفحه ۱۶ سطر ۱۶ بعد از صاحب امتیاز نوشته شود قضیه به حکمت کمیسیون مرکب از نماینده صاحب امتیاز و دولت و صاحب ملك مراجعه خواهد شد .

رئیس - تقریباً همان پیشنهاد آقای طهرانی است

حائری زاده - در همان زمینه است

رئیس - پیشنهاد آقای مشار اعظم (بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده کمیسیون برگردد و برای مالک حقوق (بورسانتاز) رعایت نمایند و بعد از آن ماده را به مجلس بیآورند تا رای داده شود

رئیس - با اینکه با تطبیح انجام گرفت مشار اعظم - يك توضیح مختصری دارم در اینجا مذاکره شد و آقای وکیل الملك پیشنهاد صدی سه کردند و آقای مغیر سؤال کردند که کیبانی باید بدهد یا دولت بنده توضیحی خواستم عرض کنم که در اینجا نقطه نظر ما حفظ منفعت مالک است

اگر از ابتدا دولتی که عقد قرارداد کرده یا کمیسیونیکه مربوط باین مسئله بوده و در تنظیم مواد اقداماتی داشته است رعایت حقوق مالک را نکرده نمیشود حق مالک را سلب کرد و در صورتیکه کیبانی هم قبول نکند باید این حق مالک را بردوش دولت هم اگر میشود گذاشت و میبایست با اینها بنده مقتضیات یعنی زمان تاستان گریما سرما

باینکه آن زمینهایی که نفت از آنها استخراج میشود صاحب امتیاز بده تمام این ها را زائد میدانم و نظیرش هم در جنوب هست کیبانی نفت جنوب با صاحبان اراضی يك عملاتی دارد چنانکه آقابان هم مسوقند يك معامله هم راجع

فرمودند که در قسمت نفت جنوب يك قراردادهائي شده بنده میتوانم عرض کنم که آن قراردادها را دولت تصدیق نکرده است.

رئیس- کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- مسئله بورس امتیاز رد شد.

پیشنهاد آقای رئیس التجار (بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۰ در سطر ۹ بعد از قیمت عادلانه وقت که تا بنیاً اصلاح شده بین الهالین نوشته شود اراضی که برای استخراج نفت کمیانی میخواد باید قیمت عادلانه کثیر از صدی ۳ از محصول آن چاه نفت باشد.

رئیس- این پیشنهاد آقای وکیل الملک بود که رد شد

رئیس التجار- بنده پیشنهاد را صدی دو میکنم.

رئیس- بسیار خوب میتوانم بیآورند پیشنهاد آقای سردار معظم قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از انظلی که در اراضی مالکین کشف میشود از صدی بیست که کمیانی بهرات باید بدهد صدی چهار سهم مالک و صدی ۱۶ سهم دولت باشد

سردار معظم- اجازه میفرمائید

رئیس- بفرمائید

سردار معظم- اگر ما بخواهیم مطابق عدالت رفتار کنیم دولت خودش نباید صدی بیست بگیرد و در املاک سایرین صاحبان املاک چیزی داده نشود چون نسبت به املاکی که متعلق بدولت است کمیانی صد بیست بدولت میدهد.

همین طور هم در املاک اشخاص باید آن صد بیست به مالکین آن اراضی داده شود و در ملک ما تا قوانین آسمانی و زمینی بقیه ما باقی هستند هیچ مانعی ندارد که سکنه با اساس مالکیت وارد بشود بنابراین در حدود و حقوق مالکیت دولت و افرادش دارای يك حقوق هستند منتهی اینست که بگوئیم از نقطه نظر حفاظت و حراست حقوق عمومی باید برای دولت هم حقوقی قائل شد.

مثلا اگر بین صاحب ملک و صاحب امتیاز تراضی حاصل شد باید دولت هم حق داشته باشد این بود که بنده پیشنهاد کردم لااقل صد چهار به مالک داده باین معنی که در اراضی مالکین پیدا میشود با مالکین و صدی شانزده را بدولت بدهد این بود عقیده بنده طریق حلش

حائری زاده- مخالفم

رئیس- بفرمائید

حائری زاده- اصلا فریاد حقوق مالک مالک را باید تشخیص داد که چه اندازه است که آقای سردار معظم می فرمایند

دولت اراضی خودش را امتیاز بدهد و مالکین هم سهم خود را ببرند تمام اراضی مشترک است بین مسلمین و باید تمام مردم منفعت ببرند معادل مال عموم است و دولت هم باید از جنبه عمومی در تماشای دخالت کند هر کس مالک دست رنج خودش است که معنی را آباد کرده درخت کاشته است وای معادن متعلق به عموم است و دولت وکیل عمومی است.

پلی حقوق مالک دست رنجی است که در آن اراضی دارد که آباد کرده است و نباید حق او را سلب کرد و باید باو يك منفعتی داده شود و در این ماده ما همین میکنیم که کمیانی باید اراضی را خریداری کند ولی آقای پیشنهاد کرده اند که اگر مالک نتوانست بفروشد و بموجب قانون اساسی هم که نمیتوان او را مجبور کرد مجلس معلوم کند که يك سهمی بدهند یا آنکه در آنجا دست رنج دارد و زمین مال اوست و بنده با این پیشنهاد مخالفم

رئیس- رأی میگیریم ۰۰۰

سردار معظم- در هراتش بنده کاملا سوه تمییر شده اجازه بفرمائید توضیح بدهم

رئیس- بفرمائید

سردار معظم- آقای حائری زاده بکلی مخلوط کردند عنوان مالکیت خصوصی را با عمومی در صورتی که ابدأ بهم مربوط نبود و میتوان مخالفت با پیشنهاد بنده نمودن بجه مناسبت دو مطلب را بهم مخلوط کردند در صورتی که شرما از اعناق زمین تا هفت طبقه آسمان مال مالک خصوصی است و کسی نمیتواند دخالت کند.

رئیس- رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان اینکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد- پیشنهاد آقای دست غیب

(بضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورایی چون معلوم نکرده اند زمین هائی که در اطراف چاههای نفت واقع میشوند تا چه مسافت قابل زراعت نخواهد بود و از این جهت ممکن است که يك مقدار اراضی دایر مالکین بمناسبت نزدیکی چاه از حیز انتفاع سناط شود در صورتی که کمیانی هم قیمت آنرا نبرداخته لهذا پیشنهاد میکنم که حریم چاه نفت تا آن نقطه که مانع از زراعت میشود معین گردد و کمیانی مجبور باشد قیمت آن مقدار زمین را صاحبانش بپردازد.

رئیس- بفرمائید

دست غیب- در اینکه اگر در يك زمینی معدن نفت پیدا شد يك قدری در اطراف آن چاه قابل سکنی و زراعت نیست گمان میکنم معین حرف نباشد حالا چه

مقدار است يك فرسخ یا نیم فرسخ یا کمتر یا بیشتر فرض میکنیم در ملك من يك چاهی پیدا شد و کمیانی هم آن چاه را حفر کرد آنوقت با اندازه نرخ عادلانه هم سکه بنده مخالف بودم یا عادلانه مطلق آدمیم نرخ عادلانه را هم دادند و با بموجب قانون شرح یا مخالف شرح هر چه هست بنده را هم مجبور کردند که ملك را بدهم و وادام حالا تصور میکنم با اندازه يك میدان از ملك من برای کمیانی ازوم پیدا کرده است ولی در اطراف آن میدان تا يك فرسخ نه قابل زراعت است و نه قابل کار دیگر و کمیانی هم محتاج نیست که آنجا را بخرد فقط چیزی که هست ملك من را بزرع شده و قابل هیچ نوع استفاده هم نیست زیرا که میشود در آنجا سکنی کرد و نه زراعت و يك ضروری بن و از درآمد است.

آیا میخواهیم ببینیم که کمیانی را میتوانیم مجبور کنیم که اطراف آن میدان را هم بخرد ؟ غیر بواسطه اینکه محتاج ایه او يك چاه بود که آن چاه را هم ضبط کرده و از آن طرف هم يك ضرری بن رسیده است بدون اینکه فایده برای کمیانی داشته باشد.

پس از حاصل آن حکم که سکنی و زراعت باشد يك ضروری بن خورد است و کمیانی نفع میرسد و مجبور هم نیست که آنجا را بخرد لذا بنده پیشنهاد کردم که اطراف چاه تا اندازه که لم بزرع میشود و قابل سکنی نیست کمیانی اگر يك ملكی را بخرد مجبور باشد آن قسمتی هم که لم بزرع میشود آنجا را هم بخرد و علاوه بر اینکه نرخ عادلانه را با صاحب ملك میدهند قیمت آن مقدار زمین را هم با صاحب بدهند که ضررش متوجه من نشود.

نجات- رأی بگیریم

رئیس- رأی میگیریم اشخاصی که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- پیشنهاد آقای (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس التجار قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد خودم را که صدی سه کرده ام پیشنهاد میکنم که در همان پیشنهاد صدی دو عرض میکنم که در همان پیشنهاد صدی دو نوشته شود.

رئیس- توضیحی دارید بفرمائید

رئیس التجار- اگر چه بعد از اظهارات آقای حائری زاده پیشنهاد بنده مورد ندارد.

و حالا نباید تصور کنند که بنده و آقای سردار معظم از نقطه نظر اینکه خودمان ملاکیم این اظهارات را میکنیم ولی در خراسان اینطور است که بیشتر مالکین جزو خورد و مالک هستند همه قسم تحصیل هم بر آنها میشود باز صدی هه مالک میدهد حالا اگر يك چاه نفتی پیدا شد که این

بیچاره عیت دارای يك واسطه عجله که داریم تیلان بین میکنیم که آن تو بدبخت نباید و این عادلانه است و بعضی از آقایان فرمودند که در متن این پیشنهاد که قیمت عادلانه زما تیرا زمین پیدا شده است باو از پیدا شدن نفت را لذت بنویسیم که در آنجا چه عادلانه باشد چه خصوصیات این صدی ۲ از محصول آن زمین را در دست خود میگیریم که در آنجا رئیس التجار را قابل قیام فرمائید

(اغلب قیام نمیشد)

رئیس- قابل توجه نشد

شده بود بگمسیون را را اگر آقایان و توزیع شده است و شریعتدار دامغانی داشتیم راجع همین ماده رئیس- کدام ماده شریعتدار راجع به این رئیس- تمام شد ۹۰ مسائل ضروری استخراج است.

بعضی از نمایندگان میدهند تا بعمل حمل و نرسیده

رئیس- توزیع نشده لازم است و ایراد بعضی از نمایندگان هم که

رئیس- ماده ۸۸ مطر با تیرا حمل میکنند یک نفر از نمایندگان این ایراد وارد باشد رئیس- مطیع شده و در اینجا البته در پیچره را خیلی مفصل است اسرار سازند و وسایل بخاری و می شود.

بعضی از نمایندگان حمله می کنند

رئیس- آقای حاج (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب برای ما خواهد گذاشت ماده ۱۸ نوشته (حقوق قائل میکنند که خیلی اهمیت ذیل حاصل خواهد شد او غلیب راجه باجرای این (همه بین نمایندگان) حاج میرزا عبدالوهاب میتوان حمل کند به امریکا معترض نیست گمان میکنم این ایراد هیچ رئیس- ماده ۷۲ سابق بود و لازم است بدون اینکه حاج میرزا عبدالوهاب نمیتوانیم نگرانی داشته باشیم و این مسئله را مانع کنیم اصلی که ما در نظر داریم اینست که نفت درین ملک خوب استخراج شود و باهالی و ثابا و ثالثا است

باید بناهای غیر منقولی را می میدانم این است که در آن نمای ولی اشیا منقولی در صورت بروز اختلاف در چه نصاب نشده می تواند حین صاحبان امتیاز دولت ایران اگر این اجازه بکمیانی خواهد نمود) اگر در این جا می گوید تیر و در پیچره آن طرفین ذکر بشود بهتر تواند خراب کند و ببرد باین ترتیب بکمیانی داده

رئیس- آقای شیروانی موافقت؟

شیروانی- مخالفم

رئیس- بفرمائید

شیروانی- این حق که بکمیانی داده شده که از قطعات چهار گانه تجاوز کند و تشکیل مؤسسات حتی لوله کشی را در خاک گیلان هم باو اجازه داده اند بنده بکلی مخالفم زیرا در این مسئله مخصوصاً مذاکره شد که کمیانی اگر بخواهد در جنوب مثلا لوله کشی بکند چون این حق را در چند سال پیش کمیانی نفت جنوب پیش بینی کرده است باید قید شود ولی نسبت به گیلان در صورتی که معادن نفتی يك ایالت کوچک را برای خودمان باقی گذاشته ایم اگر يك اوله در گیلان کشیده شود دیگر صاحبان امتیاز نفت گیلان نمی توانند در مقابل این کمیانی بزرگ مقاومت کنند و اگر يك قدری ولو تومانی يك شاه می هم که باشد نفت خود را ارزان کند دیگر چهار تاجر کم سرمایه ایرانی چگونه میتوانند در مقابل این کمیانی با عظمت مقاومت بکنند و این جا بنده معتقدم که بکلی ممنوع باشد از این که در خاک گیلان ابنه نفتی و مؤسسات نفتی ایجاد کند.

وزیر امور خارجه- آقایان توجه فرمائید که در اینجا در مسئله لوله کشی مقایسه نفت جنوب نباید بشود اینکه در اینجا نوشته شده مخالف مواد امتیاز سنه ۱۹۰۱ نباشد برای اینست که در آن امتیاز لوله کشی انحصار داده شده است به آن کمیانی و چون دولت سابق لوله کشی را بکمیانی نفت جنوب در يك قسمت از ایران داده است البته ما مکلفیم باینکه يك قراری را که سابقاً داریم رعایت بکنیم و مخالف آن رفتار نکنیم ولی در این امتیاز نفت شمال غیر از استخراج نفت چیزهای دیگر را باین کمیانی انحصار نداده ایم و سایر مردم هم قدرت دارند بکشیدن لوله هم او میتوانم مطابق این امتیاز لوله بکشد و هم دیگران میتوانند در نقاطیکه با امتیاز داده شده است لوله بکشند و اینست که میفرمائید مزاحم دیگران میشود و مشربه منافع دیگرانست این طور نیست لیکن اینکه اظهار نمودند اگر کمیانی يك شاهی نفت خودش را از ارزان بکند سایرین را از بین میرسد این يك امریست طبیعی و از این جهت ما نمیتوانیم نگرانی داشته باشیم و این مسئله را مانع کنیم اصلی که ما در نظر داریم اینست که نفت درین ملک خوب استخراج شود و باهالی این مملکت هر قدر ممکن باشد ارزانتر بفروش برسد حالا اگر يك مانعی پیش بیاید که سایرین نتوانند کاملاً استفاده کنند بنده هیچ تصور نمی کنم این نگرانی مورد البته لازمست تسهیلات برای

حمل و نقل و غیره فراهم شود که در همه جای مملکت بتوانند نفت را حمل کنند یعنی در آنجاها که فرادادهای سابق مانع نیست بدیگران حق داده شود که بتوانند با اورقایت کنند.

حالا اگر يك کسی قدرتی دارد که دیگران نمیتوانند با او مقاومت کنند یا مشکل است رقابت کردن ما و این امریست که نمیتواند جلو گیری کرد (جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس- پیشنهاد آقای اخگر قرائت می شود

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در صفحه ۱۹ سطر ۴ بعد از عبارت (که دولت در سنه ۱۹۰۱ اعطا کرده است) علاوه شود (باستثنای نقاطی که امتیازش داده نشده)

رئیس- آقای اخگر (اجازه)

اخگر- البته خاطر محترم آقایان مستحضر است که چهار ایالت برای این کمیانی تخصیص داده شده و يك ایالت برای خود ایرانی ها باقی مانده و علاوه بر این يك نقطه هم هست که هنوز امتیاز داده نشده مثل سمنان.

در اینجا با اطلاع به اینکه ایالت خراسان و امیر آباد و آذربایجان هر سه راه دارند بجز خزر هر طور اختیار ساختن بنا و بندر دادند بکمیانی در گیلان بمقیده بنده اختلال کردن در کار کمیانی نفت گیلان است و اجازه دادن اینکه لوله این کمیانی در اراضی نفتی گیلان که متعلق بایرانیهاست صورت بکند اسباب زحمت می شود

يك کمیانی که چهار ایالت را در دست دارد دیگر اگر بخواهد نفتش را از حدود آن يك ایالت هم عبور بدهد به هیچ وجه نمیتواند در مقابل این کمیانی رقابت کنند بعلاوه بنده تصور می کنم اگر يك چنین اجازه بکمیانی نفت شمال داده شود کدر ایالت گیلان هم حق داشته باشد لوله کشی کند

دیگر ایرانی ها نمی توانند این امتیاز را بکار ببرند و این که نوشته شده است (همین حق در اراضی منتخبه صاحب امتیاز بطور مساوات کامل برای صاحبان امتیاز نفت گیلان و اراضی غیر منتخبه چهار گانه نیز حاصل خواهد بود)

این تقریباً تعارف است زیرا يك کمیانی ایرانی که يك قطعه دارد وقتی ما او را آزاد بگذاریم که کار خود را انجام بدهد و در کارهای خودش در آن قطعه آزاد باشد باید خیلی متون باشیم و دیگر لازم نارد کدر خراسان ما زاندران آذربایجان يك بنداری برای حمل نفتش بسازد و همین قدر این يك ایالتی که برای ایرانی ها گذاشته اند بدون مداخله دیگری

اگر بگذارند کار خودشان را بکنند بهتر است و يك کمیانی که يك ایالت دارد واقع میشود در مقابل يك کمیانی که چهار ایالت دارد دیگر به آن کمیانی چهار ایالتی نباید اجازه داد در حدودیکه بيك کمیانی يك ایالتی امتیاز داده شده مداخلتی بکند.

این است که بنده پیش نهاد کردم علاوه يك قسمت های دیگر هم هست که امتیازش داده نشده و مشمول این ماده خواهد شد بجهت اینکه در اینجا نوشته به استثناء آن امتیاز نامه که در سنه (۱۹۰۱) بکمیانی نفت داده شده یعنی در نقاطی که امتیاز داده نشده حق لوله کشی دارد زیرا در همین چهار قطعه بموض نقاط امتیاز داده نشده بموجب این ماده حق لوله کشی خواهند داشت در صورتیکه شاید ایرانیها بخواهند در آن نقاط استفاده کنند و این از حرم و احتیاط دور است که آن قدر باو اجازه داده شود

رئیس- آقایان که تشریف نمیآورند رأی بگیریم

درین موقع جلسه تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس- رأی گرفته می شود به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای اخگر

اخگر- استدعا میکنم مجدداً قرائت بشود

(مجدداً پیشنهاد ایشان خوانده شد)

رئیس- آقایان اینکه این پیشنهاد قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای شیروانی قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که جمله (ایالت گیلان) که در دو قسمت این ماده اسم برده شده حذف شود

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- بنده توضیحاتم را دادم دیگر بسته بنظر مجلس است

رئیس اشخاصیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد

پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب اینطور قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم در سطر آخر صفحه ۱۹ بعد از کلمه برقرار نماید این عبارت افزوده شود مشروط بر اینکه بنده ویا مؤسسات مانع از حفر چاه و استخراج مواد نفتی چنانچه در آن قسمت یافت شود نباشد

آقا سید یعقوب- اجازه میفرمائید

رئیس- بفرمائید